

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی نخستین همایش ملی نا آوران فرهنگی و ادبی معاصر ایران را به کارنامه علمی استاد ایرج افشار اختصاص داده است.محورهای همایش عبارتند از ایرج افشار: دانش، روش، پژوهش (نواوری و خلاقیت)، ایرج افشار و احیای میراث‌های کهن و معاصر ایران، ایرج افشار و نامه‌ها و مکتوبات، ایرج افشار و مطالعات ادبی، ایرج افشار و مطالعات تاریخی (قاجار پژوهی)، ایرج افشار و مطالعات ایران‌شناسی، ایرج افشار و کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری، ایرج افشار و نشریات و مجلات، ایرج افشار و مستشرقان، ایرج افشار و عکس‌های ایران، موقوفات ایرج افشار و زندگی و سلوک اجتماعی و فرهنگی ایرج افشار. آخرین مهلت ارسال چکیده آثار ۳۰ مهرماه ۱۳۹۸ و آخرین مهلت ارسال اصل مقالات: ۱ بهمن ماه ۱۳۹۸ است.



ادامه از صفحه اول
پنابراین زبان گفتار پایتخت هخامنشی، که صورت بسیار ساده شده‌ای از زبان ادبی و کهن کتیبه‌های هخامنشی بود، پانصد سال پس از آن به نام زبان دری، همگام با پایگیری قدرت سیاسی ساسانیان، در بسیاری از نقاط ایران بعنوان زبان تفاهم میان تیره‌های ایرانی رواج گرفت. پیش از آن و هم‌زمان با رواج زبان دری، با نفوذ زبان پهلویگ و سپس زبان پارسیگ، که به ترتیب زبانهای نوشتار در زمان اشکانیان و ساسانیان بودند و همه فرمانها و نامه‌های دولتی به آنها نوشته می‌شد و نیز تبلیغات مانی و شاگردان او در خاور ایران به زبان پهلویگ، راه برای پیشرفت زبان دری که با پارسیگ و پهلویگ خویشاوندی نزدیک داشت و بسیاری از واژه‌های این دو زبان را گرفته بود، کوبیده و هموار شده بود. همچنین دستور بسیار ساده و کاملاً با قاعده و یادنشین و در عین حال پرتوان این زبان، که آن را در شمار ساده‌ترین زبانهای جهان ساخته است، عامل بسیار مهم دیگری در رواج سریع این زبان بود.»

بر همین اساس است که شاعران و ادیبان برجسته زبان فارسی از حافظ و سعدی شیرازی تا صائب تبریزی و نظامی گنجوی و قطران تبریزی و مولانا جلال الدین محمد بلخی و ناصرخسرو قبادیانی و رودکی سمرقندی و… از گوشه گوشه ایران تاریخی برآمده‌اند و زبان فارسی برای همه آنها حکم زبان بومی و مادری داشته است با آنکه می‌دانیم به طور مثال زبان محلی سعدی پهلوی بوده و برخی فهولیات او به جا مانده و با قطران تبریزی که به گفته ناصرخسرو فارسی نیک نمی‌دانست زبان مادریش آذری پهلوی بوده است. در دوران معاصر نیز محمدحسین شهریار بزرگترین شاعر کلاسیک زبان فارسی آذری بود و نیما یوشیج پدر شعر نو فارسی مازنی! بر همین اساس روشن است که زبان فارسی برای هیچ یک از اقوام ایرانی حکم زبانی بیگانه یا تحمیلی و از آن قوم دیگر نداشته و بلکه میراثی تاریخی و برگرفته از اعماق تاریخ این مردم است و اگر بنا باشد زبان‌های محلی را با یک بار احساسی و شورانگیز زبان مادری بنامیم جا دارد زبان فارسی را نیز زبان پدری مردم ایران بدانیم.

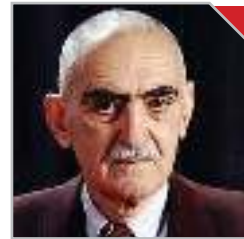
قانون اساسی چه می‌گوید؟

تا پیش از دوران معاصر و فشار ایدئولوژی وارداتی غربی و شرقی ملت ایران با مشارکت نخبگان همه مناطق و به شکل طبیعی و تاریخی و بدون دخالت آمرانه دولت‌های مدرن، زبان فارسی را به عنوان زبان ادبی و سیاسی و اداری به جایگاه کنونی آن رساندند و به همین دلیل نیز در قانون اساسی دوره مشروطه به موضوع زبان فارسی اشاره‌ای گذرا شده بود چرا که از نگاه نمایندگان آن دوره امری بدیهی و روشن بود. اما در دهه های بعد و به ویژه ظهور اتحاد جماهیر شوروی و اندیشه‌های کمونیستی در ایران موضوع خلق‌های ایران از سوی هواداران این اندیشه مطرح شد و در دهه بیست شمسی با رانندازی فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری سیدجعفر پیشه‌وری و فرقه دموکرات کردستان به رهبری قاضی محمد تلاشش را برای تجزیه ایران کرد. با وقوع انقلاب اسلامی هیاهوهای توده‌ای و کمونیستی در مورد خلق‌های ایران لزوم اشاره قانونی به موضوع زبان را ضروری کرد و بر همین اساس اصل ۱۵ قانون اساسی شکل گرفت.

اصل پانزدهم با صراحت و روشنی بیان می‌دارد که : « زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد». این صراحت مبنای تاریخی و فرهنگی استواری دارد و از ابتدای شکل‌گیری ملت تاریخی ایران بر همین اساس و منوال بوده است.

اصل ۱۵ قانون اساسی در ادامه درباره زبان های محلی و قومی می‌گوید: «ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات ورسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.» این آزادی‌ها نیز ریشه در سابقه تاریخی ایران دارد که وحدت در عین

کارنامه ایرج افشار در همایش نام آوران فرهنگی



همایش فرهنگ پهلوانی با بزرگداشت امامی خوبی

همایش بین‌المللی فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران به مناسبت بزرگداشت محمدرقی امامی خوبی برگزار می‌شود. گروه تاریخ دانشگاه الزهرا به مناسبت بزرگداشت محمد تقی امامی خونی همایش بین‌المللی فرهنگ پهلوانی در تاریخ ایران را با همکاری انجمن ایرانی تاریخ در آبان ماه ۸۹۳۱ برگزار می‌کند. محورهای پیشنهادی این همایش عبارتند از تبارشناسی، مفهوم شناسی و چارچوب‌های نظری فرهنگ پهلوانی در اساطیر و ادیان باستانی، فرهنگ پهلوانی در متون دین اسلام، فرهنگ پهلوانی در آثار ادبی و هنری، فرهنگ پهلوانی در تصوف، عرفان و فنون، فرهنگ پهلوانی و قدرت سیاسی، فرهنگ پهلوانی و زن، فرهنگ پهلوانی و تجدد، فرهنگ پهلوانی در آثار خاورشناسان، فرهنگ پهلوانی و ورزش، بینش تاریخی و منش اخلاقی استاد محمد تقی امامی خونی و… است.



رابطه تاریخی زبان فارسی و زبان‌های محلی ایرانی و سواستفاده‌های سیاسی؛

زبان پدری و زبان مادری



و عقیده در چارچوب حقوق شهروندی خود از آزادی‌های فرهنگی تصریح‌شده در قانون اساسی بهره‌مند باشد و همانطور که گفته شد آزادی‌های فرهنگی و زبانی کنونی در قانون‌اساسی مطلوب و مناسب است.

اما راهبردهای جدیدی که مورد غفلت فعالان دلسوز فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته:

میراث ادبی زبان‌های محلی اقوام ایرانی که اتفاقاً کاملاً ایران‌گرایانه و در پیوند با فرهنگ ملی است باید بازشناسی شوند و با انتشار و شناساندن آنها برای عموم مردم مقابل ادبیات وارداتی بیگانه و جانداختن آن به عنوان زبان و فرهنگ مادری مقاومت کرد. فعالان این حوزه باید به روشنی مشخص کنند که ما مدافعین واقعی زبان‌های محلی هستیم و آنچه که با ان مخالف هستیم اجتماعی و دشمنی با فرهنگ و زبان و تاریخ ملی است. انتشار ادبیات بومی این زبان‌ها همچون اشعار شاه اسماعیل خطایی، شاهنامه های کردی و ترکی، اشعار نسیمی و معجز شبستری و … همگی نشان خواهد داد که از این نمند برای تجزیه‌طلب‌ها و قومگرها کلاهی در نمی‌آید و آنان نخواهند توانست پشت موضوع هواداری از زبان های محلی مخفی شوند و باید هدف و مراد اصلی بیان‌شان که همانا تجزیه ایران عزیز است سدای لاپوشانی و پنهانکاری و سواستفاده از احساسات مردم بیان کنند. (هر چند تقریباً همین الان هم بیان می‌کنند!)

وزارت آموزش و پرورش هم چون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که با ایجاد گروه زبان و ادبیات کردی در دانشگاه سنندج و زبان و ادبیات ترکی آذری در دانشگاه تبریز راه را برای تحقیق و پژوهش و تحصیل علمی در ادبیات بومی کردی و ترکی آذری فراهم کرد امکان تدریس ادبیات زبان‌های محلی را برای دانش‌آموزان علاقمند فراهم کند. همچنان که قانون اساسی نیز از لفظ «آزاد است» استفاده کرده و دولت را مکلف به تدریس این زبان‌ها نکرده وزارت آموزش و پرورش تنها باید بر نگارش کتاب‌های صحیح و مبتنی بر فرهنگ بومی و محلی نظارت کند و صلاحیت علمی معلمان چنین دروسی را تأیید کند. دانش‌آموزان نیز تنها در صورتی که علاقمند باشند می‌توانند از چنین کلاس‌هایی بهره‌مند شوند و حضور در این دروس براساس آنچه‌که از متن اصل ۱۵ قانون اساسی بر می‌آید نمی‌تواند اجباری باشد.

به تدبیر پشت هوا بشکنیم

زبان ارزشمند اقوام ایرانی را از چنگال قوم گر ایان نجات دهیم



افشین جعفرزاده

شکی نیست که هیچ فرد منصفی که به ایران و داشته های فرهنگی اش می‌اندیشد و دغدغه دارد نمی‌تواند در حال و روز کنونی کشور ما نسبت به موضوع مهمی چون زبان اقوام بی تفاوت باشد. اگر ایران برای ما عزیز است باید بدانیم یک ذات متکثر است و در این ذات متنوع قطعاً فرهنگ‌های بومی و زبان اقوام جایگه خودش را دارد. این زبان‌ها بی‌شک در فرایند تکامل خود دارای هویت و موجودیت ایرانی هستند و وقتی از زبان‌هایی چون ترکی آذربایجانی، کردی، گیلکی ، بلوچی، تالشی، لارستانی و عربی رایج در ایران سخن می‌گوییم نیایستی فراموش شود این‌ها در جغرافیای سیاسی –فرهنگی ایران کنونی رشد یافته و برخی در سده های اخیر دارای آفرینش های ادبی ارزشمندی نیز بوده‌ اند. دقت کنیم وقتی از واژه اقوام در ایران استفاده می‌کنیم پسوند ایرانی فراموش نشود.اقوام ایرانی درجغرافیای کنونی ایران همه ایرانی هستند. حتی بااین مفروض که به فلات ایران مهاجرت کرده باشند. بررسی تاریخ فرهنگ ایران نشان می‌دهد هر قومی به هر دلیلی به ایران مهاجرت کرده باشد خروجی اش دو نکته کلیدی بوده است: ۱.در اندک مدتی ایرانی و تابع فرهنگ ایران شده است.حتی اگر مغول و عرب حجازی یا خزاعی باشد.

۲. زبان اصلی ادبی و نگارشی اش فارسی بوده است. عدم انکار واقعیتی به نام اقوام ایرانی به هیچ وجه از نگاه کسانی که دل در گرو یکپارچگی سرزمینی و ملی ایران دارند ، به مفهوم انکار نقش زبان فارسی به عنوان زبان وحدت ملی ایران نیست. ایرانیان فارغ از هر قوم تبار از سال‌های بسیار دور در فرایندی طبیعی وگزینش روشی آگاهانه و بدون هر گونه تحمیلی، این زبان را به مثابه یک زبان وحدت بخش ملی انتخاب کرده‌ اند این نکته زمانی دارای ارزشی دو چندان میشود که بدانیم پس از سقوط ساسانیان تا ظهور صفویان ، فلات ایران هیچ گاه دارای دولتی همانند صفویان و ساسانیان نبوده و ایران بیشتر یک واقعیت فرهنگی تاریخی بوده و نه یک دولت یکپارچه ملی. دیدگاه کسانی که سعی دارند بنابر اهدافی مشخص ،نقش آفرینی بدون بحث زبان فارسی را در تحکیم وحدت ملی ایران انکار و یا آن را کم رنگ جلوه دهند نه دارای مبانی تاریخی و شواهد ادبی است و نه دارای منطق عقلی. فارسی عزیز است و بیش از آن زبان وحدت ملی ما ایرانیان بوده است.فارسی باید پیش از پیش تقویت شود و هر خردمندی می‌داند این زبان، زبان وحدت بخش ماست و به هیچ قوم و تباری بصورت اختصاصی تعلق ندارد و همچون گستره جغرافیایی ایران ، تک تک واژگانش ثروت مشاع هر ایرانی‌است و آموزش به این زبان بایستی همیشه ادامه یابد و این خط قرمز هر کسی است که دل در گرو ایران دارد. فروگاستن این زبان به یک قوم و هم ارز دانستنش با دیگر زبانها نخست جفا به واقعیتی به نام ایران است.اما در کنار نقش بی بدیل و بی گشتگوی زبان پارسی نباید فراموش کنیم که در ایران کنونی زبان‌های اقوام ایرانی به عنوان یک واقعیت عینی و ارزشمند وجود دارند و دارای آفرینش های ادبی و فرهنگی خود هستند. من تمامی این زبان‌ها را یک ثروت ملی و داشته ای ایرانی ارزیابی می‌کنم که لازم است هر که دل در گرو وحدت ملی ایران دارد بکوشد، آموزش درست و اصولی این زبان‌ها را در راهبرد فرهنگی و آموزشی ایران مد نظر بگیرد. چرایی این دیدگاه دارای دلایل متعددی است: پیش از هر چیز باید گفت اگر خود ایران‌خواهان رشته این امور را به دست نگیرند به دلیل وضعیت ویژه ایران چه بسا ممکن است کسانی با اهداف خاص و اسلوبی غلط و نامربوط و چه بسا در تضاد با واقعیت‌های ایران محصولاتی فاسد تولید کرده و جنس ملقوب را به جای جنس اصیل تحویل دهند. بررسی تولیدات زبانی در دو دهه اخیر نشان‌گر این واقعیت تلخ است که گروهی مشخص سعی دارند به قلب واقعیت های این زبان‌ها پرداخته و با آفرینش‌های باسمه ای و یکسره خارج از موضوع اهداف خود را از این دلیل به مشخصاً تجزیه ایران و یا بنیاد یک فدرالیسم کور قوم ایست گسترش دهند. کافی است بررسی کوتاهی در آفرینش های ادبی و نگارشی اخیر در زبان‌های آذری و کردی و بلوچی و عربی انجام دهیم تا اختلاف فاحش آنها را با گویش های اصیل رایج در میان گویشوران نواحی را ببینیم. اسناد انتشار یافته در سال‌های اخیر نشان می‌دهد این گروه مشخصا هدفی به جز تخریب کبان ایران و ایرانی نداشته و مطالبه زبان مادری و اقوام از سوی آنان بیشتر به دنبال اهداف خاصی مطرح میشود. اینها را به این دلیل به مشخصاً توضیح داده شد، که بداندن ما اهداف آنها را می‌دانیم و آگاهیم در نهایت امر باری آنها زبان مادری تنها بهانه ای برای فروپاشی ایران است و این گروه اگر ارزشی برای زبان مادری خود قابل بودند به قلب واژگان رایج و اسلوب دیرین نمی‌پرداختند. چه باید کرد؟

بر هر ایرانی آگاه و بیدار دل فرض است که اگر توان ادبی در خود سراغ داشته و دل در گرو عزت ایران دارد، تلاش کند تا آفرینش های فرهنگی و ادبی به زبان اقوام از سیطره ادبیات منقطع وارداتی و بیگانه نجات پیدا کند و به آن درجه از انکشاف و رشد برسد که با رجوع به هویت دیرین و ادامه راه گذشتگانی که دل در گرو ایران داشتند ، افزون بر رفع نیاز داخل تأثیر خود را بر دیگران بویژه در کشورهای پیرامونی نشان دهد. من اطمینان دارم در صورت تحقق چنین امری وحدت ملی ایران بیش از پیش تقویت خواهد شد و در کنار اجرای درست اصل ۱۵، بهانه از دست گروهی معدود گرفته خواهد شد که عادت دارند در پشت دفاع از زبان اقوام به نفرت پراکنی علیه وحدت ملی مبادرت کنند. اینها غالباً نه توان آفرینش های درست ادبی داشته و نه دل در گرو تقویت این زبان‌ها دارند بلکه مرور کوتاهی بر نوشته ها و گفتارشان نشان‌گر بی صلاحیتی محض آنها در این وادی است. از سوی دیگر آثار ادبی و فرهنگی قابل اعتنایی هم ندارند و آنچه معدود می‌بینیم به جز گرنه برداری های باسمه ای و نوعاً غلط وارداتی نیست. پس در شرایط کنونی لازم است در یک اقدام فراگیر و فرهنگی همه کسانی که دل در گرو ارج و اعتلای میهن دارند وارد این وادی شوند و با بذل توان ادبی و مال و تلاش به تقویت این زبانها البته با اسلوبی درست و مطابق با داشته های اصیل اقدام کنند. این سیاست می‌تواند گاهی در مدارس غیر انتفاعی اجرایی شود و در صورت تأمین پیش نیازها و تألیف کتاب هایی مطابق با اصول علمی و واژگان رایج در ایران توسط کارشناسان خیره و دلسوز حتی در مدارس دولتی و نهادهای فرهنگی کشور… جهت بُردار فرهنگ و ادب همیشه از سوی ایران به پیرامون امتداد داشته است و اکنون نیز باید این سنت ادامه یابد. فارسی زبان وحدت ملی ایران است و آموزش مدرسه ای و دانشگاهی در ایران باید تا ابد به این زبان باشد و این خط قرمز هر ایرانی است. به ویژه کسانی که دل در گرو ترویج زبانهای اقوام ایرانی دارند. اما در کنار تکیه بر این راهبرد، آموزش زبان‌های اقوام با اسلوب درست با هر روشی عاملی است که قطعاً به تقویت وحدت ملی ایران خواهد انجامید و از دیگر سو مانع بهانه تراشی‌های قوم گرایان و کسانی خواهد شد که نه توانی در بازتولید یا آفرینش های ادبی به این زبان دارند و نه در واقعیت امر، علاقه ای به توسعه آن‌هابلکه هدفشان بیشتر تخریب ایران است.

۲۷شهریور بزرگداشت شهریار شعر ایران، استاد محمدحسین بهجت تبریزی؛

جوشش خون ایرانیّت

آزادی ایران ز تو آبادی ایران ز تو

آزاد باش ای خطه آباد آذربایجان

تا باشد آذربایجان پیوند ایران است و بس

این گفت باصوتی رسا «فریاد آذربایجان ” منطقه ی آذربایجان را اشغال نموده بود، شهریار با خطاب به آذربایجان و مردم آن که به عنوان سر ایران مطرح کرد می گوید؛ روز جنبازبست‌ای بیچاره آذربایجان

سر تو باشی در میان، هرجا که آمد پای جان ای بلاگردان ایران سینه زخمی به پیش تیر باران بلا بلا از تو می جوید نشان

کاخ استقلال ایران را بلا بارد به سر

پای دار ای روز باران حوادث ناودان در لابلای اشعار سر شار از احساس شهریار، تمجید از زبان و لهجه ی شیرین آذری قابل کتمان نیست؛

تور کین دیلی تک سنوگیلی ایستکلی دیل اولماز

اؤزگه دیله قاتسان بو اصیل دیل اصیل اولماز اؤز شعرینی فارسا عربه قاتماسا شاعیر

شعری انشیدنلر اؤخیانلار کسبل اولماز اما این بار نیز شهریار با تیزهوشی تمام مسیر تفرقه را بسته و با عمق وجود در چندبیت سرشار از معنی و تفسیر در هر شرایط زمانی موضع صریح و شفاف خود را در عشق به وطن فراتر از عشق به زبان و قوم خود نشان می دهد؛

گرچه ترکی بس عزیز است و زبان مادری

لیک اگِر ” ایران ” نگوید لال بادا این زبان

مرد آن باشد که حق گوید، چو باطل رخنه کرد

هم بایستند بر سر پیمان حق تا پای جان وی همواره آذربایجان را فرزند عزیز ایران خطاب کرده و زمانی که در اشغال فرقه ی دموکرات است با دلی غمگین و لحنی آتشین می سراید؛

بی‌کس است ایران، به حرف ناکسان از ره مرو

جان به قربان تو ای جانان آذربایجان

هر زبانی کو قضا باشد به ایران عزیز چون تو ایران را سری بیشتر رسد سهم زبان مادر ایران ندارد چون تو فرزندی دلبر

روز سختی چشم امید از تو دارد همچنان تو همان فرزند دلبندی که جانبازی تو

می نیاید در حدیث و می نگنجد در زبان و یا در بخش دگری از اشعار خود در زمان اشغال آذربایجان توسط شوروی باز با انتقاد از تأکید بر اختلاف زبان به عنوان عاملی برای جدایی از ایران می گوید؛ اختلاف لهجه ملّت مزاید بهر کس

گر بدین منطق تو را گفتند ایرانی نه‌ای صبح را خوانند شام و آسمان را ریسمان

شهریار شناسان معتقدند این شاعر بزرگ زمانی به سرودن شعر ترکی آذری اقدام کرد که به مقام والایی در شاعری دست یافته بود. او را در کشور می‌شناختند و سخنانش زبان به زبان می‌گشت.

به گواهی تاریخ‌زمانی که هنوز مجموعهٔ کم نظیر «حیدرباباه سلام» شهریار و دیگر اشاعر ترکی آذری او سروده نشده بود، در مراسم بزرگداشتی که در دانشگاه تبریز برای شهریار برپا شد، دانشجویان و حتی مردم عوام برای دیدن شهریار، سرودست می‌گشتند.

دکتر علی اکبر ترابی که تحقیقات ارزنده‌ای در جامعه‌شناسی شعر شهریار دارد، معتقداست: «دیوان اشعار فارسی شهریار تأمین‌کننده نخستین مرحله از آشتهار شاعر به عنوان غزلسرای بزرگ و اشعار حیدربابا فراهم آورنده بلند آوازی او در نیمهٔ دوم حیات است.»

روان شاد دکتر محمود پدیده استاد فقید دانشگاه تبریز نیز می‌نویسد: «شهریار بر خلاف اکثر ترکان پارسی‌گوی که کاملاً ترک بودنشان در شعر محسوس است، چون با اصطلاحات زبان فارسی آشنایی دارد، اگر کسی با او سابقه معرفت نداشته باشد، نسبت ترک بودن به او نخواهد داد …»

می‌توان چنین نتیجه گرفت که تلاش عده‌ای در معرفی شهریار بدین صورت که او تنها با سرودن اشعار ترکی به عنوان شاعر بزرگ در کشور مطرح شد، حرکت احمقانه‌ای پیش نیست.

توجه شهریار به عنوان یک ایرانی دوستدار وطن، به شعر ترکی، تنها از راه عشق به احیای زبان مادری بوده است. پس توان گفت که چهره ادبی شهریار از دو نیم رخ شعر فارسی و شعر ترکی آذری تشکیل یافته است. هر دو سوی این نیم‌رخ‌ها، صورت زیبا و دلنشین «شهریار ایران» را تشکیل می‌دهند.

شهریار حتی به حدی مراقب نیتادن در دام بیگانه‌گرایان بود که در مصاحبه‌ای می‌گوید: «لهجه ترکی ما با سایر لهجه‌های زبان ترکی متفاوت است. من سعی می‌کنم به لهجه تبریز بنویسم. برخی لغات ترکی هستند که … ترکه‌های ایران آن را نمی‌دانند. تا حدی که برایم مقدور است از این لغات استفاده‌نمی‌کنم.»

شهریار این مصاحبه را چنین به پایان می‌برد: «ترکی، فارسی، عربی هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند وجود داشته باشند. زبانها همه بر یکدیگر وابسته‌اند و هر یک به نحوی نقضی دارند… مهم این است که نباید تعصب داشت.»(گفت و گو با شهریار، جمشید علیزاده، ص ۱۹۴ و ۱۹۶)

کتاب «در کشاکش دین و دولت» با گزارشی فشرده از دوران سی‌ساله پس از رحلت پیغمبر اکرم(ص) در سال ۱۱ هجری تا صلح امام حسن(ع) و معاویه در سال ۴۱ هجری آغاز می‌شود.کتاب تازه‌ای از محمدعلی موحد مورخ، مولوی پژوه و حقوق‌دان برجسته ایرانی در روزهای آینده توسط نشر ماهی منتشر خواهد شد. این کتاب که «در کشاکش دین و دولت» نام دارد حاصل پژوهش‌های موحد در باب رابطه میان دین و دولت در اسلام و ارتباط ایران و ایرانیان با این مقوله است.کتاب «در کشاکش دین و دولت» با گزارشی فشرده از دوران سی‌ساله

پس از رحلت پیغمبر اکرم در سال ۱۱ هجری تا صلح امام حسن(ع) و معاویه در سال ۴۱ هجری آغاز می‌شود و در پی آن، موحد چنان که خود گفته است می‌کوشد با دقت در مضمون روایت‌های مورخان و تعمق در زیر و بم آن‌ها، تصویری بانسبه معقول و قابل اعتماد آن دوران به دست دهد.دین پایه او دو نگاه را از دو منظر به این دوران سی‌ساله به مخاطب ارائه می‌دهد. یکی نگاهی که عمده تمرکزش بر مقوله شکل‌گیری و تاسیس حکومت اسلامی و مقوله خلافت است و دیگری نگاهی که بر نزاع‌های برآمده از شکل‌گیری این حکومت ناشی شده تمرکز دارد. انتشارات ماهی کتاب «در کشاکش دین و دولت» نوشته محمدعلی موحد را در ۳۲۰ صفحه و با تیراژ ۰ ۱۵۰ نسخه به زودی منتشر خواهد کرد.

پروژه سینمایی کوروش، فیلم تومیریس

و تقسیم دریای خزر



هزینه ۲۰ میلیاردی آن را قبول کرده بودند اما تنها شرط آنان مبنی بر تضمین اکران فیلم میسر نشد و منصرف شدند. البته ما هنوز کوتاه نیامده‌ایم و مصر هستیم ساخته شود و دانسته نشد این هم با کار و هدف علی معلم و پس از او مسعود جعفری جوزانی هم راستنا بود یا جدا از آن‌ها.

اما ایران دوستی و تشنگی جوانان به یک فیلم آبرومند از کوروش بزرگ که لزوماً هم نباید پر خرج باشد چون در صورت روند نادرست فاجعه‌ای مانند مختارنامه به پار می‌آورد ولی با کمی تلاش و هزینه کمتر به کارهایی نه چندان ایده آل ولی بارها فاخرتر از مختارنامه چون ولایت عشق می‌انجامد باعث شده تا خود با نرم افزارهای کامپیوترهای خانگی از هر فیلم و سریال و مستندی که نشانی از ایران باستان داشته باشند تکه‌هایی برش داده و کلیپ‌های کوتاه مونتاژ کنند. هم‌اکنون ویدئو کلیپی از هنگام ورود اسکندر به بابل در فیلم الیور استون با عنوان بخش‌هایی از فیلم کوروش بزرگ ساخته آنتونی مان -که چند دهه پیش در گذشته- در فضای مجازی دست به دست می‌شود.

حال پس از مراسم رونمایی از کتاب «کورش بزرگ» و اعلام رسمی آغاز ساخت فیلم کورش بزرگ (پروژه بین‌المللی سینمای ایران) و خبرهای هر چند ماه یک بار بازدید مسعود جعفری جوزانی از تخت جمشید و پژوهش در آثار آن دوره و تهیه نخستین آرت بوک یا نوعی فیلمنامه تصویری برای ساخت دقیق‌تر فیلم که نخستین بار در ایران اجرا می‌شود و ساخت مدل‌های سه بعدی و دست آخر قرارداد با شهرداری ملایر برای ساخت شهرک سینمایی فیلم در آن شهر و برنامه‌ای که روند ساخت فیلم از اعلام رسمی آغاز ساخت آن تا ۱۴۰۰ که پایان ساخت و اکران را توضیح داده بود پایگاه اینترنتی رسمی فیلم با نشانی kouroshfilmir در دسترس نیست و پس از جست و جو تیرتری با عنوان "تنها مرجع کامل پاسخگویی به سوالات متعدد درباره پروژه بین‌المللی فیلم کوروش بزرگ" به نشانی kouroshfilm.com دیدم که در شگفتی آن هم از سوی سرور میزبان با دامنه kour.com گذاشته شده است.

نیاز به ساخت هرچه زودتر فیلم‌های آبرومند تاریخی در هنگامه‌ای که جاعلان تاریخ با درک درست از جایگاه ارزشمند سینما به ساخت فیلم، سریال و حتی پویانمایی‌هایی چشم نواز ولی بی مایه دست زده‌اند و خواهند زد بیش از همیشه احساس می‌شود. یک نمونه از بی مایگی‌های این دست آثار، هجویه سیصد بود که کمپانی‌های بزرگ فیلم سازی را به ساخت میباحته‌های کتابه‌آمیز بسیاری چون دیدار با اسپارته‌ها از فاکس قرن بیستم در ریشخند به ۳۰۰ از استودیو برادران وارنر واداشت یا اسکانسی از آن در سری فیلم‌های استریکیس و اوبلیکیس به استهزا گرفته شد ولی چشم‌پوازی جلوه‌های ویژه‌اش برای گروه بیگانه با کتاب یا تبدیل برای خواندن چند پاراگراف از نبرد ترومویل در فضای مجازی و همچنین دشمنانی که یا از همین دسته‌اند و یا نان از تجاهل دارند بسنده بود که مستند میباحته‌های تاریخی‌شان شود. چهار سال بعد هم نسخه دوم با بن مایه نبرد سالامیس ساخته شد.

فیلم اسکندر مقدونی ساخته الیور استون دو سال پیش از بخش نخست هجویه سیصد بر پرده سینماهای جهان رفت که نه از چپال‌های آن وحشی مقدونی رانده شده از پدرش چیزی نشان داد و نه آتش زدن تخت جمشید را به پرده آورد. همچنین برای کم رنگ کردن مرگ ننگ‌آمیز اسکندر که یا پیامد زیاده‌روی در میگساری و یا مسموم شدن به دست سردارانش بوده، جنگ کوروش بزرگ برابر دربیکی‌ها به رهبری امورانیوس که سرانجام با رسیدن شاه امورگس و سکا‌های همراهش با پیروزی پایان یافت ولی کوروش سه روز پس از زخم مرگبار زوبین که در جنگ برداشته بود درگذشت را برای اسکندر بازسازی کرده است. ناگفته نماند که فرمانده جناح چپ داریوش سوم در جنگ گوگمل برای تهیهیج سپاهیان هخامنشی ی‌ساله می‌گفت! و یا اسکندر با بازی کالین فارل نام خلیج فارس را از ازسطو یاد نگرفته بود! و خلیج می‌نماید. تکان دهنده این که چندی پیش الیور استون را به ایران هم دعوت کردند و گرامی داشته شد. فیلم و سریال‌های ریز و درشت بشمار دیگری مانند فیلم «شبی با پادشاه» که داستان مجمول و صهیونیستی پوریم را پوشش می‌داد بسیار هستند. هدف نمایاندن جایگاه و کاربرد ژرف هنرهای نمایشی ساخته شده با نیروی کاربلد به همراه روند درست در ساخت برای نمایاندن تاثیرگذار هویت و فرهنگ مستند بی مانند ایران و یا برعکس آن مانند نمونه‌هایی که نام برده شدند هست و امید است مسعود جعفری جوزانی هرچه زودتر راه تماشای بگذارد یا به جای امضا کردن فیلمنامه کوروش کبیر و آرزو برای ساخت فیلم کوروش بزرگ پیش از مرگ، یک بار بگوید که این داستان سرانجام دارد یا نه و اگر ندارد که هیچ ولی اگر دارد به مانند زنده‌یاد معلم پاسخگو باشد.



جعفری‌جواد

در بهار سال ۱۳۹۷ و به فراخور اعلام رسمی آغاز ساخت فیلم کورش بزرگ (پروژه بین‌المللی سینمای ایران) در موزه سینما، یادداشتی از اینجانب با عنوان «کاری به ماندگاری نام کوروش بسازیم» در نشریه وطن بولی (راه وطن) منتشر شد و سه ماه پس از آن با فرستادن مقاله به کنال رسمی اعلام شده برای فیلم در فضای مجازی پیامی دریافت کردم که جناب مسعود جعفری جوزانی یادداشت بنده را خوانده و همراه تاییدآن فرموده‌اند که روند با حوصله و کُند ساخت فیلم هم برای همین است تا آبرومند باشد. ولی آغاز ایده ساخت چنین فیلمی با زنده‌یاد علی معلم بود که برابر سخنان همسر ایشان بانو آذر معماریان سال‌ها پیش از ساخت «سیصد» دوست داشت تاریخ ملی ایران به مردم جهان شناسانده شود و وقتی سریال «در چشم باد» پخش می‌شد، یقین پیدا کرد تنها کسی که می‌تواند این پروژه عظیم را پیش ببرد، مسعود جعفری جوزانی است که این موضوع در بخش اشاره به صحنه‌های جنگ فتح خرمشهر از سریال در چشم باد در یادداشت پیشین بنده هم یادآوری شد. همچنین بانو معماریان افزوده بودند که اگر علی معلم دوست داشت از یک هنرمند خارجی مطرح در سطح جهان (راسل کرو) استفاده شود برای این نبود که سرمایه ای بدست آورد بلکه می‌خواست یک هنرمند یا نامش مردم را به سینماها بکشاند تا بتوانیم تاریخ خود را به مردم دنیا ارائه کنیم و این یعنی چشم داشتی به گیشه و سود نبوده و هدف گسترده‌تر زنده‌یاد را با درک این بزرگوار از جایگاه و تاثیر سینما نشان می‌داد که پس از نمایاندن و شناساندن تاریخ و فرهنگ بی‌مانند و پیوسته ایران در گذر از هزاره‌ها با بن مایه‌های نمایشی و مستند فراوان تاریخی و نیمه تاریخی مانند داستان‌های شاهنامه، سودی بارها بیش از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینما و دست‌سالا در سیاست و دفاع از منافع برحق و مستند ملی به کشور سرازیر می‌شود. این بار قزاقستان در تلاش برای جلوه‌گر شدن به عنوان کشوری واقعی که ساخته و پرداخته اتحاد جماهیر شوروی نبوده و به دست آوردن همان سودهای ملی در هدف علی معلم از پروژه کوروش بزرگ، خبر پایان ساخت فیلم تومیریس بر پایه افسانه برگزیده هرودوت را اعلام کرد که هم زمانی کمابیش آن با خبرهای جلسه‌های رژیم حقوقی دریای کاسپین (خزر) و سهم قزاقستان و دیگر واحدهای سیاسی

شوروی سابق به روشنی یکی از خواسته‌های قزاق‌ها از چنین فیلمی را آشکار می‌سازد و آن پیوند دادن خود با ماساگت‌های سسکایی (ایرانی‌الاصیل) در افسانه برگزیده هرودوت است. استدلال قزاق‌ها صرفاً بر این پایه استوار است که ماساگت‌ها در جغرافیای سیاسی کنونی قزاقستان ساکن بوده‌اند. همین تلاش‌ها برای دست و پا کردن هویت ملی واقعی زمینهای برای افزایش توان چانه‌زنی‌های سیاسی است که بهترین نمونه کنونی آن رژیم حقوقی دریای کاسپین (خَزَر) است. در حالی که ما از هزاران سال تاریخ مداوم و پیوسته و فرهنگ بی‌مانند و حق آب و گل خود در تمدن جهان که آنتارک هم همراه اقرار به آن حسرتش را داشت بهر‌های نمی‌گیریم.

سخن ساخت فیلم کوروش نخست از انگلستان آمد که از بزرگترین پروژه سینمایی تاریخ بریتانیا با بودجه ۸۰ میلیون پوند و بازی شون کانری و دیگر بزرگان سینما به کارگردانی الکس جووی خیر می‌داد. خبر فراموش شد تا تقریباً هم زمان اسکندر از الیور استون اکران شد و دو سال بعد هم هجویه سیصد روی پرده آمد. در این میان باز هم برجسته‌ترین و با دغدغه‌ترین کسی که واکنش نشان داد زنده‌یاد علی معلم بود که پس از پخش هجویه سیصد سخنی با مضمون محترمانه بودن اسکندر الیور استون در برابر هجویه سیصد گفت و کم‌کم سخن از عزم برای ساخت پروژه بزرگ فیلم کوروش هخامنشی را مطرح کرد. دست کم از سال ۱۳۸۹ میان خبرها بود که فیلمنامه در حال نگارش است و رایتزی با سرمایه داران بزرگ ایرانی ساکن واحدهای سیاسی در گرداگرد خلیج فارس جریان دارد و جز صدور مجوز ساخت چشمداشت مالی هم از بخش دولتی ندارند. همین‌گونه گذشت تا در سال‌های پایانی زندگی کوتاه اما شرافتمندانه علی معلم خبر صادر شدن مجوز موافقت اصولی ساخت «کوروش کبیر» پس از چندین سال در سایت‌ها پخش شد. در همین خط زمانی سخنان دیگری که خبر از گفت و گو برای ساخت یک سریال تلویزیونی درباره کوروش یا داریوش هخامنشی می‌دادند به گوش رسید و حتی در خبری آمده بود که پویانمایی واقع‌گرایانه کوروش به سبک پویانمایی شگفت انگیز بیولوف از ولفگانگ پترسن که کارگردانی فیلم تروا هم با او بود ساخته خواهد شد. در این میان خبری نیز از پرویز شیخ طادی بود که سرمایه گذاران پروژه کوروش کبیر' پرداخت

تالیف مشترک ایو بوماتی و هوشنگ نهاوندی با عنوان «ایران؛ یک تاریخ چهار هزار ساله» منتشر شد. انتشارات پرین در پاریس کتاب «ایران؛ یک تاریخ چهار هزار ساله» تالیف مشترک ایو بوماتی و هوشنگ نهاوندی را منتشر کرد. این کتاب به بررسی تاریخ ایران از تمدن باستانی تا انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ می‌پردازد. ظهور ادیان مختلف، جریانات و گرایشات بزرگ فکری، فلسفی و هنری و همچنین مدل‌های مختلف حکومتی از جمله موضوعاتی است که در این کتاب به آنها اشاره شده است. همچنین بخشی از این کتاب به چهره‌های تاریخی‌ای چون؛ سیروس، داریوش، حسن صباح، رضا خان، امیرکبیر… اختصاص پیدا کرده است.



دو هفته‌نامه فرهنگی وطن یولی شماره ۲۷، شماره ۸ صفحه

ایران؛ یک تاریخ چهار هزار ساله



وزارت نیرو ارزشی برای آبشارهای ایران قائل نیست



شب آبشارهای ایران عصر شنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۹۸ با حضور محمد درویش، کنشگر محیط‌زیست، محمد گائینی، فعال حوزه گردشگری، مجید اسکندری، نویسنده کتاب «راهنمای میدانی آبشارهای ایران»، امیرحسین بختیاری، مدیر مسئول انتشارات ایرانشناسی در خانه گفتمان شهر (خانه وارطان) برگزار شد. محمد درویش، کنشگر محیط‌زیست با اشاره به جایگاه مهم آبشارها در طبیعت ایران اظهار کرد: آبشارها به نسخ خطی ارزشمندی می‌مانند که کتابخانه‌های مشهور به آنها فخر می‌فروشند. وزارت نیرو به‌عنوان بخشی از حاکمیت ایران متولی یکی از زیباترین اجزای طبیعت ایران است اما ارزشی برای آن قائل نیست و در حقیقت کارش نابودی آبشارهاست.



داور یوسفپور

سرزمین سرسبز سیلان، این دیار باستانی در دامان سرشار از حکمت، معرفت، لطافت و طبیعت زیبای خود گوهرهای گران سنگ و ارزشمند پرورانیده و به جامعه تقدیم نموده است که یکی از همین نام آوران و افتخار آفرینان، شادروان " استاد باباصفری" است. محقق ارزشمند و مورخ توانمند باباصفری در سال ۱۲۹۹ خورشیدی در اردبیل به دنیا آمده تحصیلات ابتدایی و دوره اول دبیرستان را در زادگاه خود -اردبیل- و دوره دوم تحصیلات متوسطه را در تبریز به پایان رسانیده است. تحصیلات عالی ایشان در رشته قضایی دانشکده حقوق و در رشته فلسفه و علوم تربیتی در دانشسرای عالی تهران و دوره کارشناسی ارشد علوم اداری را در دانشگاه تهران همچنین دوره عالی مدیریت و بهبود روش های اداری را در شعبه دانشگاه کالیفرنیای آمریکا در دانشگاه تهران طی کرد. خدمات دولتی خود را در سال ۱۳۱۸ با دبیری دبیرستان یوراندخت اردبیل آغاز و بتدریج به معاونت فرهنگ این شهر منصوب و سپس ریاست دبیرستان در تهران و همچنین ریاست ادارات داخلی وزارت فرهنگ ارتقا یافت.هفده سال آخر خدمات اداری او با سمت معاونت و مشاور عالی در سازمان حج و اوقاف سپری شد. در سال ۱۳۳۱ به سمت شهردار اردبیل انتخاب و شهرداری پویا و فعال را پایه ریزی کرد. زنده یاد باباصفری مدتی نیز از دولت وقت به اروپا- ایتالیا اعزام و در زمینه امور اداری و مسائل تربیتی مطالعات و تحقیقات سودمندی نموده و به کسب مدال علمی نایل آمد. وی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ به تقاضای خویش بازنشسته شد. این استاد فرهیخته و "پدر تاریخ اردبیل" چهره ای روشن از ادب، تواضع، صداقت، امانت، کفایت، صبر و استقامت، دردآشنا، مهربانی، فرهنگ و دانش و از

همه بالاتر "معلم اخلاق" بود.

او بی گمان در زمره نویسندگان و اهل قلمی محسوب می شود که آثارش در فرهنگ و تاریخ کشور ما نقش موثر و سازنده ای داشته است. آثار، خدمات و زندگی پر بار ایشان همه گواه است که او محقق، معلم و فرزانه علم و عمل، دلباخته آب و خاک و زادگاهش، اردبیل کهن بود.

آنچه دراین مقدمه به اجمال ذکر شد یک مقوله شخصی از شخصیت آن بزرگمرد بود و یک مقوله دیگر که همیشه تابان است آثار قلمی اوست که بعد علمی و پژوهشی وی را نمایان می سازد. گفتارونوشتارش از ارزش ادبی، تاریخی، فرهنگی، دینی ، جغرافیایی، اجتماعی، فلسفی، تربیتی و اخلاقی والایی برخوردار است. او در کتاب " اردبیل در گذرگاه تاریخ" فرهنگ، تاریخ و جغرافیا و مهمترین وقایع اردبیل را از گذشته های دور تا زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ با استناد به کهن ترین مدارک و اسناد موجود از منطقه اردبیل به تصویر کشانده است. جلد چهارم آن نیز تالیف شده و در حال گذراندن مراحل انتشار است.

کتاب مفاهیم قرآن مجید که به نشر روان فارسی در کشور سوئد و ایران منتشر شده است از دیگر آثار مهم او به شمار می رود. از دیگر آثار منتشر شده او یک قرن تقویم تطبیقی و شانزده جلد کتاب درسی، جغرافیای کشورهای اسلامی یکصد و یک کتاب در یک کتاب، یکصد و دو کتاب در یک کتاب، زندگی نامه وخدمات علمی و فرهنگی منتشر شده از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و تجدید چاپ سوم اردبیل در گذرگاه تاریخ به همت و تلاش خانواده آن زنده یاد در سال ۱۳۹۶ با توجه به نیاز و درخواست علاقمندان به تاریخ همچنین کتاب دشتی و رشدی که در رد کتاب آیات شیطانی نوشته شده و در حال بررسی برای انتشار می باشد.از دیگر خدمات برجسته ایشان، تاسیس اولین کتابخانه عمومی در میدان سرچشمه اردبیل، انتشار اولین نشریه فرهنگ، انتزاع اداره فرهنگ اردبیل از تبریز، تاسیس چندین مدرسه،



تاسیس صندوق تعاون کارکنان شهرداری اردبیل، سد رودخانه بالخلو و دیگر اصلاحات و خدمات شهری را می توان نام برد.

یکی از افتخارات نگارنده این سطور آن است که تجدید چاپ دوم کتاب سه جلدی "اردبیل در گذرگاه تاریخ" تالیف باباصفری در اسفند ماه سال ۱۳۶۹ به بنده محول گردید. کتاب ارزشمندی که به عنوان مرجع و منبع تاریخی از او به یادگار مانده و برای نگارش آن نزدیک به دو دهه تلاش کرده، اینجانب با استعانت الهی در سال ۱۳۷۰ مشتاقانه موضوع را با علاقه و اشتیاق بیگیری و نظارت و طبق قرارداد منعقده به قول و فعل خود وعده عمل پوشاندم و در نتیجه فعالیت مجدانه مجلدات سه گانه کتاب مذکور در تهران تجدید چاپ و با مساعدت دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل انتشار یافت.

اینجانب سالها توفیق معاشرت با ایشان را داشته و خاطرات فراوانی از مهربانی و دوست کلمی های آن استاد بی بدیل بیاد دارم که مجال نوشتاران در این مقاله نمی باشد. نامه های آن محقق توانا، آموزنده و خواندنی است. بخشی از نامه ایشان را که با خط زیبای خود به افتخار این جانب مرقوم و از استهکلم- سوئد در سال ۱۳۷۱ برای حقیر ارسال داشته اند به موزه تاریخ علوم اردبیل اهدا و به رسم یادگاری چاپ و منتشر می شود.

این مقاله برگ سبزی باشد یادآور بوستان باطراوت و سرسبزعمر ارزشمند و تلاش بی وقفه و چشمگیر این استاد گرانقدر در عرصه های تعلیم و تربیت، خدمات ارزنده فرهنگی، اجتماعی و دولتی و دیگر آثار که از خود به یادگار گذاشته است. به بهانه پانزدهمین سالگرد افول ستاره حیات آن استاد فقید و به پاس خدمات ارزشمند ایشان در عرصه های گوناگون به ویژه آثار فرهنگی همچنین آشنایی و شناخت بیشتر نسل جدید، علاقه مندان و پژوهشگران جوان در زمینه تاریخ و فرهنگ اردبیل به فهرست مندرجات، ساختار و محتویات مجلدات سه گانه کتاب اردبیل در گذرگاه تاریخ که به گفته خود نویسنده کتاب سال ها دراین فکر بوده است مطالب پراکنده سفرنامه ها و کتابهای تاریخی درباره اردبیل را تدوین و گردآوری کند که در ادامه مطلب به بحث و بررسی آن مروری گذرا و کوتاه به مباحث و سرفصل های آن می پردازیم.

اردبیل در گذرگاه تاریخ

جلد اول کتاب ششتم با پنج گفتار است که هر گفتار به طور معمول مشتمل بر فصول و بخش های متعددی است. از گفتار ششم تا دهم در جلد دوم

ادامه از همین صفحه

دولت سالاریان نیز مستعجل بود.

ادامه در همین صفحه

جلد دوم با گفتاری در رابطه با بررسی تاریخی حوادث و اتفاقات این شهر در زمان پهلوی آغاز شده است. گفتارهای بعد به زبان و مذهب و اداب و رسوم و نیز انبیه و آثار تاریخی آن اختصاص یافته است. در گفتار آخر نیز نهدهای بزرگان پیرامون کتاب آورده شده است. باباصفری به نقل از کتاب بحرالانساب این عتبه احمد بن علی بن الحسین الحسنی نوشته است: " از فرزندان صالح امام موسی کاظم علیه السلام پنج نفر به اسامی حمزه، قدر الدین، قوام الدین، بدرالدین و صدرالدین از بغداد روی به ولایت ری نهادند و چون به این شهر رسیدند، متفرق شدند. هدف آنان تفسیر احکام اسلام و ارشاد مردم بود و به همین خاطر به ری و اردبیل عزیمت کردند که آن دو شهر مرکز ایران و آذربایجان بودند. حمزه و صدرالدین به سوی اردبیل رهسپار شدند و آن جا را موطن خویش قرار داده، اقامتکردند و در این شهر در گذشتند. مقبره حضرت حمزه علیه السلام در روستای کلخوران در جوار بقعه شیخ امین الدین جبرئیل، پدر شیخ صفی الدین اردبیلی و در شمال آستانه کوچک او ساخته شده و قبر حضرت صدرالدین علیه السلام هم در یک کیلومتری غرب آن قرار دارد". گزارش هایی نیز از ساخت و ساز ابنیه و اماکن مذهبی در زمان خود می دهد: "در تابستان سال ۱۳۵۰ خورشیدی مسجد سابق پیر مادر را خراب کردند و مسجد جدیدی با دیوارهای آجری و تیر آهن بر جای آن بنا کردند و در قسمتی از کف مسجد برای قرار دادن پایه ستون جایی را کنده بودند که در آن استخوان های زیادی از انسان های فوت کرده به چشم میخورد".

مراسمات مذهبی و عزاداری ها از بخش های خواندنی این جلد می باشد. در بخشی از فصل دوم چنین می خوانیم: " اصولا عزاداری در اردبیل در تمام طول سال برگزار می شود. معمولا صبح های جمعه یا عصر جمعه به هیات هایی که هر هفته در منزل یکی شان جمع می شوند و نوحه خوانی می کنند و سینه زنی. هر هیاتی پرچم ها و علائم خاصی دارد. این عزاداری ها با مناسبت های روز هم تناسب دارد و بسته به حال و هوای آن زمان ادعیه ها و نوحه ها خوانده می شوند. طشت گذاری سنتی کهن است. شاید تشبیلی از رفغ تشنگی عزاداران امام حسین علیه السلام در مقابل تشنگی او، سه روز مانده به محرم طشت گذاری شروع می شود. روز اول دو محله بزرگتر،یعنی تابار و اونچی میدان طشت گذاری می کنند و روز دوم و سوم به ترتیب کوچکترها. طشت های استفاده شده معمولا بسیار قدیمی و از جنس مس یا برنج و بعضی هایشان بسیار بزرگ هستند. طشت ها را چند روز قبل در محلی آماده می کنند و ریش سفیدان محل طشت ها را به دوش می گیرند و علما و سالخوردگان و بزرگان در جلو و مردم در پشت سر سینه زنان یا زنجیر زنان به سمت مسجد حرکت می کنند. این طشت های آد در نظر مردم، جلوه مظلومیت و معصومیت حضرت امام حسین علیه السلام بوده و برخی بر این عقیده اند که این طشت ها شفا دهنده اند و گاهی دخیل می بندند و دعا می کنند و شمعی روشن می کنند.ازگذشته نیز حکایات زیادی از شفایافتگان این زمان‌ها در بین مردم رواج دارد." از دیگر آداب و رسومی که به آن پرداخته شده، مراسمات ویژه نوروز است.مولف در این رابطه چنین آورده است: " با نزدیک شدن نوروز اغلب خانواده های اردبیلی ظروف مسین خود را برای سفید کردن به مسگران می دادند و به میمنت عید چند کوزه آب خریداری می کردند که این دو از رسوم قبل از عید در منطقه محسوب می شدند " به نوشته وی: " در آستانه عید اسباب بازی های ویژه این ایام به بازار می آمد و در آن زمان که صنعت پلاستیک سازی وجود نداشت کودکان از اسباب بازی های سفالی به نام توتک و دولکه استفاده می کردند. یکی از آیین ها و ایام به خصوص قبل از آغاز عید نوروز دراستان اردبیل مراسم شب چهارشنبه آخر سال می باشد که نشانه هایی از آداب و رسوم ویژه آن هنوز نیز تا حدودی در بین ساکنان منطقه مرسوم است.به گفته سالخوردهگان اردبیلی روز چهارشنبه پایان سال از زمان های قدیم در منطقه به گل چهارشنبه مرسوم است، زیرا همه خانه ها در این روز مثل گل پاکیزه شده و بر خلاف چهارشنبه قبل از آن که به کول چهارشنبه، یعنی چهارشنبه خاکستر معروف است، زیبا و شادی آفرین می شود. از رسوم زیبایی که سال ها قبل در عصر چهارشنبه آخر سال در این استان رواج داشت، بردن هدایایی از سوی خانواده ها طی مراسم خاصی به خانه دختران شوهر رفته بود. پسران جوان در این شب کمربندهای پارچه ای یا دستمال خود را از دریچه روشنایی اطاق همسایه و یا اقوام خود آویزان می کردند و صاحب خانه بدون آن که در صدد شناسایی آنان برآید، هدایایی را به پارچه می بست. در شب عید اغلب خانواده های ساکن در منطقه غذاهای مخصوصی متشکل از ماهی دودی، گوشت قیمه، مرغ و کوکو به همراه برنج که می توان گفت، بهترین شام آنان در طول سال می باشد را تدارک می بینند. هنگام تحویل حتی اگر نیمه های شب هم باشد، بسیاری از افراد خانواده بیدارمانده و بر سر سفره هفت سین که با قرآن مجید و شمع های الوان آراسته شده است، به انتظار می نشینند. سفره هفت سین هنوز نیز در برخی از خانه های منطقه برای پذیرایی از میهمانان تا سیزدهم عید نوروز پهن باقی می ماند. قبل از تحویل سال اغلب افراد وضو گرفته و برای لحظاتی سکوت همه جا را فرا می گیرد و فقط صوت مناجات به گوش می رسد. جمع کثیری از مردم اردبیل بر اساس یک سنت دیرینه مذهبی در آخرین و اولین پنجشنبه سال برسرمارز درگذشتگان خویش حضور می یابند. برخی از این آداب و رسوم پسندیده با وجود تغییر و تحولات فرهنگی فراوان هنوز در میان مردم منطقه رایج هستند ". در مجلد سوم اولین گفتار به تاریخ اردبیل از شهریور ۱۳۲۰ تا انقلاب اسلامی اختصاص دارد. مباحثی، مانند اقتصاد، بازرگانی، پزشکی و نقد های خوانندگان پیرامون مجلدات پیشین کتاب از دیگر مطالب این مجلد است. چگونگی شکل گیری فرقه دموکرات و ترورها و اقدامات این فرقه بر ضد امنیت مردم از بخش های مورد توجه این جلد است. در بخش فرهنگ و معارف به تعلیم و تربیت قدیم و جدید و چگونگی شکل گیری مدارس جدید و نیز نهاد های فرهنگی، هنری پرداخته شده است.اردبیل علما و دانشمندان بزرگی را در دامان خود پرورش داده که اسامی آن ها نیز به ترتیب حروف الفبا آمده است. در بخشی ازاین مجلد می خوانیم: " ختم قرآن، یعنی به پایان رساندن تحصیل قرائت قرآن، تشریفاتی داشت، بدین معنی وقتی نوموز به آخرین سوره می رسید، برای خانواده اش افتخاری از حیث تحصیل وی فراهم می گشت. پدر و مادر و کسان طفل، ازاین که فرزند آن ها موفق به فراگرفتن تمام قرآن شده است، احساس مسرت می کردند و معمولا به شکرانه آن مهمانی هایی ترتیب می دادند.

نقاشی دیواری مشهور تپه تاکستان نیشابور در سالن اصلی موزه باستان شناسی و هنر دوران اسلامی در معرض دید عموم قرار گرفت. این نقاشی رنگی روی گچ نمایشگر مرد سوار بر اسب یا شاهینی بر دست و خرگوشی اویزان به زین است. نقاشی مرد قوشچی درواقع جز کهن قطار نقاشی‌های دیواری پس از اسلام در ایران است که در هنگام کاوش‌های موزه متروپولیتن نیویورک در نیشابور کشف شد. این نقاشی در کادر مربع‌مسطبلی با بلندی ۱۴۰ سانتی‌متر و پهنا ۱۲۰ سانتی‌متر ساخته‌شده‌است. ساختار نقاشی سوارکار نیشابور صرف‌نظر از صورت‌مره،

با خطوط محیطی پررنگ و قلمی محکم و استوار بر روی گچ کشیده که یادآور نقش برجسته‌های دوره ساسانی است. بررسی‌های انجام‌گرفته بر روی این نقاشی نشان می‌دهد که سوار کار، افسار یک اسب را با یکدست گرفته و با آرامش مر کب خود را هدایت می‌کند و بر روی دست دیگر او یک شاهین نشسته است. نقاش، اسب را که در حال تاختن است، واقع‌گرایانه‌تر از سوارکار ترسیم کرده و سوار را با کلاهی قبه‌مانند بر سر، جبهه‌ای ایریشمین بر تن، با اجزای لباس و تجهیزات و همچنین سازوبرگ بسیار غنی نشان داده‌است. این مرد که چهره‌اش تخریب‌شده دارای دو شمشیر و سه تسمه چرمی مرصع است که از کمربند او آویخته است. به‌اعتقاد پژوهشگران، این نقاشی، احتمالاً یکی از امرای سامانی را به تصویر کشیده یا صرفاً یک نگاره‌نمادین با مضمون سنت شکار در این دوره را یادآوری می‌کند.



سخن پیش فرهنگیان سخته گویء

ادبیات حسرت جدایی شهرهای قفقازی از ایران در اشعار شهریار؛

سین عشقیندن ایر اندا، هنوز صبری تالان واردیر

موقع چوپان بی‌عرضه اسیر گرگ می‌شود و قفقاز این چنین از خاک ایران جدا می‌گردد:

گله گرگ به مکر و تزور

شیر خوابیده کند غافلگیر ...

گویی آنها که فرامی‌رفتند

گاه برگشته چنین‌می‌گفتند:

الوداع ای افق روشن و باز

شهره گهواره گیتی قفقاز...

ای که تا بازپسین تیر و تفنگ

بود بادشمن ایرانت جنگ

تا دلبران تو در خون نتپید

پای دشمن به دیارت نرسید

چونی ای کشور آزاده اسیر

چونی ای شیر زبان در زنجیر!
در بررسی اشعار مبهنی شهریار، اشعار ترکی آذری او جایگاه مهمی دارد. اصولاً بخش مهمی از شعرهای او که در مضامین اجتماعی و وطن سروده شده به زبان مادری اوست.

یکی از مهم‌ترین سروده‌های شهریار که اشارتی مستقیم به جدایی سرزمین‌های ایرانی قفقاز و تجزیهٔ خاک ایران دارد، قطعه شعری است که خطاب به

محمد رحیم شاعر قفقازی سروده‌است.

ایگیت لر یوردو قفقازیم، سنه مندن سلام اولسون
سنین عشقیندن ایراند، هنوز صبری تالان واردیر

آنام تبریز منه گهواره سه‌سولردی؛ یارورم بیل!

سنین قالمیش اوتایدا خال لی تئل لی بیر خالخان

واردیر

آراز دشمن ایننده بیر قلیچ تک اور تاتی کسدی

اونون اولادی وارسا بیل، سنی یاده سالان واردیر
(ترجمه فارسی شعر : ای سرزمین قهرمانان، قفقاز سلام بر تو ! در عشق تو هنوز بسیاری در ایران سرگردان و پریشان حانند. مادرم تبریز زمانی که من در گهواره بودم، می‌گفت: فرزندم،

بدان که تو در آن سوی ارس خاله‌ای زیبا رو داری...ارس چون شمشیری به دست دشمن، میانه ما را برید و از هم جدا کرد. اگر او نیز فرزندی دارد، بداند که تو نیز در یاد مایی و فراموش نشده‌ای.)

شهریار در بیت پایانی این غزلواره از اینکه قفقاز اسیر حاکمیت کفر شده، ناراحتی خود را بیان و به‌شاعران آن سوی ارس توصیه می‌کند که مراقب مقاصد شوم روس‌هاباشند:

بیزی کفر اهلی ایسترسه، یوکون چاتماق اوچون ایستر
بیزه یونلاردان آرتیق قالسایر برتیق پالان واردیر
(ترجمه فارسی شعر : اگر اهل کفر به ما اظهار تمایل کنند، بدان که برای بهره‌گیری و نیل به مقاصد شوم خود این کار را می‌کنند. بدانید که برای ما از اینها

بیش از یک پالان کپنه و پاره نخواهد ماند.)

شاعر صریح ایران در شعر دیگری که برای سلیمان رستم از شاعران معروف قفقاز سروده، از جدایی بردارن ایرانی و اسارت ایرانیان قفقازی در چنگال بیگانگان تاله سر می‌دهد:

آغ گوؤبر چین نه روا دیر، کی ایشیقلیق قوشو، سن تک

نمایش نقاشی کهن

در موزه ایران اسلامی



اردبیل نگاهبان تاریخ و هویت ایران



اردبیل برای آشنایی کودکان ونوجوانان به شدت احساس می‌شود.

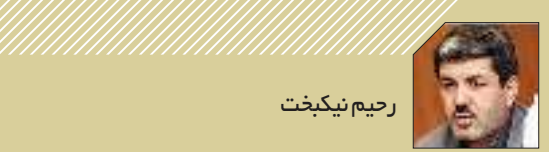
۱. در مناسبت های محرم در برخی از نشریات ویژه نامه هایی در سالهای گذشته منتشر شده است. با یان حال جای خالی یک نشریه فصلی یا دو فصلی در خصوص تاریخ و ادبیات حسینی اردبیل خالی است.

۲. با توجه به تعدد و برنامه‌های ماندگار ستارگان مدح و رثای اردبیل چون استاد فقید حاج غلام ترابی، حاج سلیم مودن زاده ... ایجاد آرشیوی ملی جهت حفظ و نگهداری ازآثار ارزشمند نوحه خوانی و سینه زنی در اردبیل ضروری است. همچنانکه در کتابخانه ملی از هر کتابی که منتشر شده یک نسخه نگهداری می شود چنین راهکاری برای حفظ و ماندگاری میراث معنوی نوحه خوانی اردبیل لازم وضروی است. اغلب افراد علاقمند یا استرپوهای ضبط و تکثر، آرشیوهای شخصی و غیر اصولی دارند که به علل مختلف از بین رفته و یا خواهد رفت. تعدادی از نوارهای ربل نوحه های قدیمی و همچنین صفحه های گرامافون، فیلم ویدئویی، نوار کاست هم وجود دارد که نیازمند تبدیل دیجیتال سازی است. به عنوان مثال یک آرشیو کاملی از مجالس استاد سلیم مودن زاده وجود ندارد. مسئولین صدا و سیماى استان در این خصوص بیش از دیگران مسئول هستند از سوی دیگر محققان عادی راهی به آرشیو مراکز صدا وسیما ندارند.

۳. ضمن اینکه آرشیو عکس‌های دستجات عزاداری، پرچم و علامت‌های دستجات حسینی، کتابخانه تخصصی محرم برای نگهداری نسخه‌ای از کتابهای نوحه جدید و نسخه‌های خطی قدیمی و دستخط های شعرای حسینی هم لازم و ضروری است. دیگر کسی سراغ از مسوده ها و دستخط های مرحوم مضطر و حتی مرحوم منزوی ندارد....
۴. یکی از چهره های فاخر ادبیات حسینی اردبیل عارف الهی میرزا صادق بیضا اردبیلی است که تدوین و تصحیح علمی دیوان وی ضرورت انکار ناپذیری دارد. تلاشی توسط استاد صفوت شادابی دوستان محترم ایشان صورت گرفته بود که با کارشکنی‌هایی نیمه رسد. آنچه به نام کلام بیضا منتشر شده کمتر از نیمی از اشعار بیضا است.

۵. به قطع و یقین بیضا در ادبیات عرفانی حسینی جایگاهی رفیع دارد و اگر کمتر از بزرگان دیگر لازم است در دانشکده ادبیات دانشگاه محقق اردبیلی کرسی بیضاشناسی دایر شود. یا حداقل سلسه نشست‌های بیضاشناسی برپا شود. خصوصاً آنکه استاد صفوت شادابی یگانه بیضاشناس عصر ما در قید حیات است و از محضر او باید برای تدریس بیضا شناسی استفاده شود. نگارنده کسی را هم پایه و حتی پایین تر از ایشان در اشرف به شاهکارهای بیضا سراغ ندارم. وی علاوه بر عمر و جوانی، هزینه هنگفتی برای به دست آوردن نسخه های خطی بیضا صرف کرده است. بعد از فقدانش به سر و سینه خواهیم زد و نوحه خواهیم خواند که «بیضا شناس ما از دست رفت» همچنانکه بیضای زمان را از دست دادیم! گرچه باید بیست سال پیش به سراغ صفوت شادابی می‌رفتیم و اینک ثمرات تربیتی و تألیفی او را شاهد می بودیم ولی افسوس حسادت و نادانی‌های افرادی هم چون من مانع این بهره‌گیری عمومی شده است. اکنون هم گرچه خیلی دیر است اما باید مکتوبات سینه صفوت شادابی در سن هشتاد سالگی _ وهمانندان او _ ثبت و ضبط شود.

۶. به همت مردانه آقای محمد رضا سراج زاده، عزیزی ارجمند از خاندانی محترم از حسینیان اردبیلی مقیم تهران به هزینه شخصی تهیه و ساخت مستند بیضای اردبیلی آغاز شده بود، ادامه تهیه و تدوین نهایی مستند نیازمند هزینه و حمایت از سوی مراکز فرهنگی چون صداو سیماى استان است، گرچه فکر نمی‌کنم از این نهادهای فرهنگی به قول معروف آبی گرم شود، اگر از خیران بزرگوار کسی پیش قدم شود این مستند ماندگار از ایشان به یادگار خواهد ماند.



قرار بود به مناسبت روز اردبیل سخنرانی داشته باشم. که بنا بر دلایلی انجام نگرفت. نگارنده در طی بیست سال گذشته علایق و پیوندهایی با تاریخ و فرهنگ اردبیل داشته‌ام- علاوه بر تألیف کتابهای: تحولات منطقه اردبیل از مشروطه تا جنگ جهانی اول، انقلاب اسلامی در اردبیل(به همراه دکتر رجب ایزدی)، زندگی مبارزات آیت الله مرج، آیت الله سید یونس اردبیلی به روایت اسناد و خاطرات؛ در حوزه ادبیات حسینی آذری در اردبیل هم کارهایی در دست انتشار و انجام دارم از آن جمله یادنامه تاج الشعرای حسینی یحیوی اردبیلی، یادنامه روانشاد انور، یادنامه روانشاد حاج غلام ترابی و...ضمن آنکه در تعلیم و تربیت تعدادی از محققان جوان این سامان هم نقشی کوچک داشته‌ام - به ملاحظه این علایق نکتاتی را در نظر داشتم که در سخنرانی طرح کنم از این رو به جهت اهمیت و نقش و جایگاه اردبیل در تاریخ و هویت ایران این نکات را خدمت برخی از مسئولین دلسوزان و علاقمندان اردبیل می‌نگارم تا بلکه روضه های من انشالله کسی را به گریه اندازد. اردبیل: تاریخ و هویت ایران

اردبیل از مراکز ثقل تاریخ و فرهنگ و هویت ایران محسوب می‌شود. اردبیل به عنوان یکی از کانونهای مهم خطقه آذربایجان در تکوین تاریخ و شکل گیری و تدلوم هویت ایرانی نقش و جایگاه مهمی داشته‌است. از این رو بازنشاسی تاریخ باستانی اردبیل اهمیت بسیاری دارد. متأسفانه در دو سه سال اخیر افرادی ناشی و کم اطلاع یا با تحصیلات غیر مرتبط با تاریخ و باستان شناسی تحت تأثیر جریانات سیاسی ضد ایرانی در تلاش هستند تاریخ اردبیل و آذربایجان را بر اساس انیدولوزی‌های افراطی قومی و زبانی بصورت غیر علمی و گاهی با ظاهر علمی به خورد جوانان بدهند که هویت شما فقط بر اساس زبان است و رگ و ریشه شما به ماده گرگی در دشت های قره قوم باز می‌گردد. هدف اصلی این جریان تعریف هویت غیر ایرانی و مغایر با هویت ایرانی اسلامی برای اردبیل است. از این رو در عرصه تاریخ نیز مواردی قابل توجه است:

۱. با توجه به نقش و جایگاه صفویه در هویت ایرانی هم در جمهوری آذربایجان و هم ترکیه مصادره به مطلوب صفویه و خصوصاً شاه اسماعیل صفوی به شدت در جریان است. هرساله دولت ترکیه برای کشته‌شدگان خود در چالدران مراسم بزرگداشت برگزار می‌کنند. دیوان شاه اسماعیل صفوی با مقدمه نخست وزیر ترکیه منتشر شده است. در این عرصه فعالیت گروه تاریخ دانشگاه محقق اردبیلی به قدر کفایت و شایستگی نیست از این رو باید دعوت از اساتید برتر صفویه شناس، اردبیل را به قطب تاریخ صفویه در ایران و جهان تبدیل کندو اگر همتی در کار باشد گروه تاریخ اردبیل قطب تاریخ صفویه در ایران شود. می توان از اساتید بازنشسته تاریخ صفویه چون دکتر میرجعفری بهره گرفت.

۲. فرهنگ عامه و بومی یکی از نقاط قوت و برجسته هویت فرهنگی و تاریخی اردبیل است. متأسفانه با توجه جدی به این مسئله بصورت نظام مند صورت نگرفته است. از این رو آثار مهمی چون تالیف سترگ استاد اصغرزاده – استاد ذوالفقون – در خصوص فرهنگ عامه اردبیل به شایستگی معرفی و شناسانده نشده است. بگذریم از اینکه ایشان به هزینه شخصی این کتاب جامع را منتشر کرده است

۳. بدون تردید مرحوم دکتر جابر عناصری از مفاخر ارزشمند ملی اردبیل بودند که بعد از وفات ایشان میراث معنوی وی مورد توجه قرار نگرفت. لازم بود مقالات ایشان گرد آوری و تدوین و منتشر شود. آثار چاپ نشده ایشان به چه سرنوشتی دچار شد نمی دانم! همچنین کتابخانه ارزشمند ایشان که به خون جگر وی فراهم شده بود.

۴. در روزگاری که شخصیت برجسته علمی و دانشمند شناخته شده اردبیلی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسند – البته جوانان محققان و پژوهشگران ارزشمندی را هم داریم انشالله جای بزرگان را خواهند گرفت_ در رسانه‌های جمعی، محافل دانشگاهی، محافل علمی چه میزان از اندیشمندانی چون استاد صدوقی سبا بهره گرفته شده است. هم بهره‌گیری از علم و دانش آنها و هم الگوسازی از شخصیت و منش آنها.

۵. دفاع مقدس و انقلاب اسلامی دو رکن مهم هویت ملی ایران است. در تبین و تشریح و آشنایی نسل جوان با این میراث فرهنگی چه کرده‌ایم؟ چندی قبل دوست گرامی علی درازی گزارشی از وضعیت مادر یکی از شهدای انقلاب اسلامی دادند که تنها فرزند خانواده و بوده وزیر شکنجه های ساواک در بابلسر به شهادت رسیده است. رسیدگی به وضعیت این گونه مداران و همچنین مستندسازی ایثار این مادر با چه کسی است!

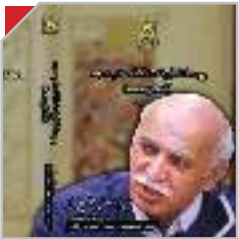
اردبیل پایتخت حسینیت ایران

برجستگی خاص اردبیل اهل بیت دوستی یا همان «فرهنگ حسینیت» آن است. با این حال تولیدات ادبی حوزه هنری جای توجه و تولید ادبیات حسینی، شرح حال نویسی، زندگینامه نویسی داستانی ادبا و شعرای بزرگ حسینی و مستند نگاری فرهنگ و هویت شیعی و ایرانی به خوبی احساس می‌شود. تدوین و انتشار مجموعه مفاخر حسینی

مرحوم مرشد عباس زریری اصفهانی (زادهٔ ۱۲۸۸ مش در اصفهان- درگذشتهٔ ۱۳۵۰ مش در همان شهر) یکی از چیره‌دست‌ترین نقالان معاصر بود که سی‌وهفت سال پیوسته هر روز عصر در کافه گلستان خیابان چهار باغ اصفهان با شور و مهارت تمام نقالی می‌کرد. شادروان زریری این طومار را «کتاب نثر شاهنامه» و «زریری‌نامه» نامیده است. این نسخهٔ مهم و مفضل از طومارهای نقالی به کوشش پزحمت ووبراستاری طولانی مدّت دکتر جلیل دوستخواه، شاهنامه‌شناس اصفهانی ساکن استرالیا،و با همتٔ تحسین‌برانگیز نشر ققنوس در زمستان سال ۱۳۹۶ در پنج جلد با نام شاهنامهٔ نقالان منتشر شد. این طومار با توجه به حجم و تفصیل داستان‌های که حدود سه هزار و هشت‌صد صفحه و تقریباً یک‌میلیون واژه، جامع‌ترین طومار نقالی شناخته و چاپ‌شده است.



محسن نامه به یاد دکتر جعفری مذهب



دومین مجلد از مجموعه مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» به عنوان یادبود مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب، ایرانشناس فقید ایرانی منتشر شد. این یادنامه به خواستاری جمشید کیانفر و پروین استخری از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

نشست تخصصی نظامی پژوهی برگزار شد

کهن‌ترین نسخه تاریخ‌دار خمسه نظامی در کتابخانه ملی تبریز است

حکیم نظامی گنجوی شاعر بزرگ فارسی گوی



نخستین نشست تخصصی نظامی‌پژوهی با حضور جمعی از اساتید، محققان، مسئولان، دانشجویان و فعالان این حوزه، به همت مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی و مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، پنجم مردادماه ۱۳۹۸ به میزبانی دانشگاه تبریز، برگزار شد.

در این نشست علی پولاد، مؤسس و مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی، جمشید علیزاده، رئیس کمیته علمی مؤسسهٔ نظامی‌پژوهی، دکتر علی‌اشرف صادقی، عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر نصیب گویشف، مدیر بخش نسخ فارسی در فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان، دکتر محمود عابدی، عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر اکبر ایرانی، مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب، دکتر سیدعلی موسوی گرماردی، شاعر و پژوهشگر ادبیات، دکتر قدیر طورغوث، استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول، و حجت‌الاسلام محمدعلی احمدی ابهری، معاون پژوهشی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی سخنرانی کردند.

نظامی؛ شاعری با اندیشه جهانی

در ابتدای این نشست علی پولاد، مؤسس و مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی طی سخنانی جایگاه نظامی گنجهای را در فرهنگ و ادب ایران و جمهوری آذربایجان والا دانست و گفت: نظامی یکی از شعرای بزرگ جهان و دارای اندیشه‌های جهانی است و از این رو مخاطبانی با سلیقه‌های متفاوت در جهان دارد و بر این اساس پژوهش در آثار نظامی ضروری است.

وی با اشاره به راه‌اندازی مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی در تبریز با هدف برگزاری کلاس‌ها و نشست‌های نظامی‌خوانی و برگزاری همایش‌های علمی با حضور استادان و نظامی‌شناسان داخل و خارج کشور، گفت: با گشایش این مرکز، تحقیقات قابل توجه و ارزنده‌ای با حمایت‌های مادی و معنوی این مؤسسه و همراهی استادان و نظامی‌شناسان برجسته انجام می‌شود.

علی پولاد، افزود: انجام پژوهش‌های نظامی‌شناختی، تلاش در جهت گره‌گشایی و رفع مبهمات آثار نظامی با ارایه تصحیح علمی و انتقادی از خمسه نظامی، تألیف فرهنگواره انتقادی از آثار نظامی و انجام طرح‌های پژوهشی متعدد از برنامه‌های این مؤسسه است.

وی در ادامه حبس وطن‌دوستی، دینداری و آشنایی با فلسفه و جریان‌های فلسفی مشهور را از جمله ویژگی‌های بارز این شاعر نامی جهان برشمرد و افزود: ویژگی‌های بارز وی باعث شده که در طول زمان همواره شاعرانی به تقلید از نظامی شعر بسرایند و در زمان معاصر نیز اندیشمندان متعددی از اقصی نقاط جهان به تتبع در اندیشهٔ نظامی پرداخته‌اند.

به گفته وی در همین راستا این مؤسسه تلاش می‌کند به کمک دانشگاهیان، محققان و فعالان این حوزه علاوه بر برگزاری نشست‌هایی تخصصی در داخل ایران، با استفاده از اریزتی‌های فرهنگی ایران در کشورهای مختلف به رونق نظامی‌پژوهی بپردازد. پولاد در ادامه از تصویب حدود ۱۵۰ طرح در زمینهٔ نظامی‌پژوهی خبر داد و اجرای این طرح‌ها را از اهم برنامه‌های مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی برای تبیین و معرفی هر چه بهتر اندیشه‌های نظامی توصیف کرد.

امتداد تأثیر نظامی تا دوره معاصر

در ادامه جمشید علیزاده، رئیس کمیته علمی مؤسسهٔ نظامی‌پژوهی و دبیر علمی این نشست تخصصی نیز با بیان این‌که مؤسسهٔ نظامی‌پژوهی در تبریز در راستای ارج نهادن به اندیشه‌های جهانی حکیم نظامی به وجود آمده است، گفت: این مؤسسه با تدوین و برنامه‌ریزی نشست‌ها و طرح‌های متعدد علمی و پژوهشی می‌خواهد، گام‌های اساسی و مؤثری در جهت شناساندن حکیم نظامی به جهانیان بردارد. رئیس کمیته علمی مؤسسهٔ نظامی‌پژوهی با اشاره به فراز و نشیب های شعر فارسی گفت: بهترین نمودار شعر زبان فارسی قرن ششم هجری قمری

جامع‌ترین طومار نقالی شاهنامه



دومین مجلد از مجموعه مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» به عنوان یادبود مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب، ایرانشناس فقید ایرانی منتشر شد. این یادنامه به خواستاری جمشید کیانفر و پروین استخری از سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

سوی انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تدوین و منتشرشده است. دومین مجلد مقالات ایرانشناسی با عنوان «تاریخ‌نگار حقیقی (محسن‌نامه ۲)» حاوی بیش از بیست مقالهٔ تخصصی دربارهٔ ایران است. نخستین مقالهٔ این مجلد به قلم مرحوم دکتر محسن جعفری مذهب با عنوان «ناصر خسرو؛ دبیر، معمار یا باستان‌شناس» نام دارد.

و بعد جمع‌بندی شود. گویشوف با دسته‌بندی محورها و ابعاد نظامی‌پژوهی گفت: این ابعاد را می‌توان به صورت متن‌پژوهی و تهیه و نشر متون انتقادی آثار نظامی، نسخه‌شناسی و ارزیابی نسخه‌های خطی آثار وی، ترجمهٔ آثار این شاعر به زبان‌های خارجی و وضع آنها و نیز تحقیق و تحلیل آثار نظامی دسته‌بندی و برنامه‌ریزی کرد. وی در ادامه به معرفی برخی از نسخه‌های خطی حائز اهمیت خمسه از گنجینهٔ پاکو و روسیه پرداخت.

نگاهی گذرا به نقد و ارزیابی نظامی پژوهی

در بخش دیگری از این نشست دکتر نصیب گویشوف، مدیر بخش نسخ فارسی در فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان گفت: برای ترسیم خطوط اصلی و تبیین چشم‌انداز نظامی‌پژوهی برای آینده ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که تا به حال در این زمینه چه کارهای مهمی انجام گرفته و چه کمبودها و نواقصی وجود دارد؟ و آیا شناخت محققان و نویسندگان، بویژه نسل جوان از شخصیت ادبی و علمی و عرفانی و هنری شاعر و حکیم نظامی و همچنین اندیشه‌های والای دینی و اخلاقی– معنوی و انسانی و اجتماعی این مرد بلند آوازه تا چه اندازه است؟

وی گفت: ابتدا باید سابقه و گذشتهٔ نظامی‌پژوهی با برخورد و روش علمی جدید مورد بررسی نقدآمیز قرار گیرد تا بتوان دورنما و چشم‌انداز آیندهٔ آن را بهتر ترسیم کرد. نصیب گویشوف، افزود: با توجه به اینکه شرح حال، محیط اجتماعی و فرهنگی و آثار نظامی در نقاط مختلف دنیا مورد توجه محققان و صاحبزنان قرار گرفته است، میتوان نظامی‌شناسی را در چند منطقه تقسیم بندی کرد؛ هر چند این تقسیم بندی حتمی و قاطع نیست و نیاز به اصلاح و بازنگری دارد. وی این حوزه‌ها را شامل نظامی‌پژوهی در ایران، نظامی‌شناسی در آذربایجان و شوروی، نظامی‌شناسی در اروپا، نظامی‌پژوهی در ترکیه و کشورهای عربی و نظامی‌شناسی در شبه قاره هند دانست و گفت: البته بررسی این موضوع ابتدا باید به طور جداگانه طبق تقسیم‌بندی مناطق یاد شده صورت بگیرد

نسخه‌شناسی و متن‌شناسی نسخه‌های هنری خمسهٔ نظامی

دکتر ایرانی نیز در سخنانی توجه به نسخه‌های خمسهٔ نظامی از دو دیدگاه متنی و هنری را حائز اهمیت دانست و گفت: تاکنون متن خمسه به صورت یکجا یا هر کدام از منظومه‌های آن به طور جداگانه مورد تصحیح قرار گرفته‌اند اما در این میان تقریباً همهٔ چاپ‌های پیشین از دیدگاه استفاده از نسخه‌های کهن و اصیل با کاستی روبه رو هستند. وی با اشاره به نسخهٔ مورخ ۷۱۸ ق دانشگاه تهران (نسخهٔ ۵۱۷۹) به عنوان یکی از کهن‌ترین نسخه‌های ارزشمند، گفت: با اینکه این نسخه در سال ۱۳۴۵ ش فهرست‌نویسی شده، اما در چاپ خمسهٔ نظامی توسط دانشمندان اتحاد جماهیر شوروی فقط در تصحیح هفت‌پیکر مورد استفاده قرار گرفته است. مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب افزود: این نکته دربارهٔ دیگر چاپ‌های خمسه نیز صادق است که هر کدام از متسخان، تعدادی از نسخه‌های کهن و اصیل خمسه را در کارشان استفاده نکرده‌اند.

دکتر ایرانی از نسخهٔ کتابخانهٔ ملی تبریز به عنوان کهن‌ترین نسخهٔ تاریخ‌دار شناخته‌شده یاد کرد و گفت: تا جایی که می‌دانیم هنوز در تصحیح خمسه از این زبان‌چان و شوروی، نظامی‌شناسی در اروپا،

وی در خصوص علت کم‌توجهی به نسخه‌ها گفت: این موضوع به درستی روشن نیست اما گویا با وجود تصحیح انتقادی خمسه در شوروی، دانشمندان ایرانی این کار را بسنده دانسته و لزومی به انجام

ادامه از همین صفحه

دقیق‌تر کار احساس نکرده‌اند و احتمالاً به همین دلیل است که گردآوری نسخه‌های خمسه چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

وی بررسی تاریخ هنر در ایران از طریق نسخه‌پردازی‌های خمسهٔ نظامی را نیز مستلزم گردآوری و کارشناسی نسخه‌های این اثر دانست و گفت: چنانکه اشاره شد دومین وجهی که در بررسی نسخه‌های خمسه اهمیت دارد، اهمیت این نسخه‌ها از دیدگاه نسخه‌پردازی و بررسی تاریخ هنر در ایران است که باز لازم‌اش گردآوری و کارشناسی نسخه‌های این اثر است. وی با بیان این که به دلیل توجهٔ فراوان قدما به خمسه، نسخه‌های بسیاری از این اثر کتابت شده و در کتابخانه‌ها و حتی مجموعه‌های شخصی نگهداری می‌شود، اظهار کرد: همین امر، بررسی نسخه‌ها را دشوار می‌کند زیرا گردآوری صرف نسخه‌ها نمی‌تواند کار را چندان پیش ببرد بلکه باید از راه بررسی فهرس و احیانا دسترسی به نسخه‌های فهرست‌نشده، ارزش هرکدام از نسخه‌ها را از دیدگاه متنی و نسخه‌شناسانه بررسی کرد و چه در تصحیح و چه در بررسی‌های هنری، اولویت را به نسخه‌های مهم‌تر داد.

مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب پژوهش در زمینهٔ وجوه هنری نسخه‌های خمسهٔ نظامی را در ابتدای راه دانست و گفت: این مشکل البته منحصر به خمسه یا هر متن دیگری نیست و جز یکی دو متن معدود، این کار دربارهٔ دیگر متون نیز باید انجام شود و بعضاً باید از کهن‌ترین نمونه‌ها و به ویژه مصحف‌های قرآن آغاز کرد.

دکتر ایرانی پس از مروری بر ابعاد کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی گفت: می‌دانیم که بسیاری از متون دورهٔ اسلامی و به ویژه متون فارسی اصلاً ساختار مصوّّر ندارند که یکی از دلایل این امر آن است که بسیاری از متون اصلاً دارای ساختار تصویری نیستند و محتوای آن‌ها فضاهای تصویری لازم را برای نگارگران فراهم نمی‌کنند.

وی ادامه داد: اما خمسه برعکس است و سراسر بخش‌های آن دارای داستان‌ها و روایاتی است که ایدهٔ لازم برای پرداختن به موضوع را به تصویرگران می‌دهد.

دکتر ایرانی افزود: نکتهٔ مهم‌تر این است که تنوّع فضای منظومه‌های نظامی موجب گوناگونی نگاره‌ها نیز شده است و برای نمونه فضای منظومهٔ لیلی و مجنون در محیط عربی و بادیه جریان دارد و لذا در تصویرگری این منظومه از نمادهای آن محیط، مانند نخل و خیمه، استفاده شده است و در عین حال منظومه‌هایی چون خسرو و شیرین یا هفت پیکر در فضای شهری و بعضاً درباری قرار دارد و نگارگران به انعکاس این موارد پرداخته‌اند.

مدیرعامل مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب در ادامه به معرفی پروژه‌های این مؤسسه در زمینهٔ نظامی‌پژوهی و بررسی نسخه‌های ممتاز خمسه پرداخت.

نسخه‌های خطی مثنوی‌های نظامی گنجوی در کتابخانه‌های ترکیه

دکتر قدیر طورغوث، استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول نیز در این نشست با بیان این که حکیم نظامی گنجوی، شاعر بزرگ فارسی‌گوی آذربایجان، فقط در عهد خود و در سرزمین خود شناخته و خوانده نشده است، اظهار کرد: بیشتر جهان آن روز و امروز نظامی گنجوی را پیشرو ادبیات حکمیانه می‌دانند و یکی از آن سرزمین‌هایی که از سخن و حکمت حکیم نظامی بهره برده آسیای صغیر است.

وی نظامی گنجوی را استاد مثنوی و بنیان‌گذار بعضی سنت‌ها در ادبیات توصیف کرد و گفت: بعد از نظامی کسان زیادی در تقلید از او مثنوی سروده‌اند و بدین وسیله نام خود را در سلسلهٔ شعرا و حکما جا داده‌اند.

دکتر طورغوث با بیان این که یکی از نشانه‌های علاقه به اشعار نظامی در یک منطقه خوانده شدن آثار او و وجود نسخه‌های خطی از این آثار در آن منطقه است به تشریح ابعاد رواج آثار نظامی در آسیای صغیر پرداخت.

استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول ضمن اشاره به این مطلب که در ترکیه در بیش از پنجاه کتابخانه نسخه‌های خطی نگهداری می‌شود، گفت: نسخه‌های نظامی در ترکیه در ۲۸ کتابخانه موجود است.

وی با بیان این که یک چهارم این نسخه‌ها پیش از قرن دهم کتابت شده، اظهار کرد: بیشتر این نسخه‌ها در آسیای صغیر و نزدیک آنجا کتابت شده، ولی بعضی از آن‌ها نیز از ایران، ماوراء النهر، ترکستان، مصر و جاهای دیگر به آنجا آورده شده است. دکتر طورغوث گفت: ما بیشتر نسخه‌های آثار نظامی را در ترکیه به چشم دیده و فهرست‌نویسی کرده‌ایم و در آینده به چاپ خواهیم رساند.

این استاد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول در ادامه به معرفی برخی از نسخه‌های مثنوی‌های نظامی در ترکیه پرداخت.

همکاری کتابخانهٔ مجلس با مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی معاون پژوهشی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست تخصصی با اعلام آمادگی این معاونت برای مشارکت با مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی در اجرای فعالیت‌های پژوهشی در ارتباط با نظامی، گفت: در این خصوص تفاهم‌نامه‌ای میان این مؤسسه و معاونت پژوهشی مجلس امضا می‌شود.

حجت‌الاسلام محمدعلی احمدی ابهری، با بیان اینکه پنج نسخه از خمسهٔ نظامی به نام پنج گنج نظامی از طرف کمیتهٔ ملی حافظه جهانی در سال ۸۸ در برنامهٔ حافظهٔ جهانی یونسکو ثبت جهانی شد، افزود: این پنج نسخه مربوط به نسخ موجود در موزهٔ ملی، کتابخانه و موزهٔ ملی ملک، کتابخانهٔ سپهسالار و دانشگاه تهران است.

وی اظهار داشت: این پنج نسخه برای اولین بار در قالب یک اثر به ثبت رسیده و می‌توان آن‌ها را در یک اثر معرفی کرد و برای هر کدام کار علمی و تحقیق انجام داد.

یادآور می‌شود مؤسسهٔ پژوهشی حکیم نظامی از سال ۱۳۹۷ فعالیت خود را با هدف شناساندن آثار و اندیشه‌های حکیم نظامی به همت علی پولاد در تبریز راه‌اندازی شده است.

به گفتهٔ دبیر علمی نخستین نشست تخصصی نظامی‌پژوهی، دومین و سومین نشست نظامی‌پژوهی به ترمیم اسفندنامه امسال و مرداد سال آینده و نشست چهارم نیز با عنوان "کنگره بین‌المللی حکیم نظامی" اوایل مهرماه سال آینده با مشارکت نظامی‌پژوهان از کشورهای مختلف در تبریز برگزار می‌شود.

به تازگی تصحیح جدیدی از «سفرنامه ناصر خسرو» با ویرایش جعفر مدرس صادقی و به همت نشر مرکز وارد بازار کتاب شده است که در این کتاب سعی شده متن اصلی کتاب بدون هیچ تغییری در اختیار مخاطب قرار گیرد. مدرس صادقی در مقدمه این اثر ضمن گلابزه از برگزیده‌های متون ادبی قدیم که با توضیحات فراوان و مقدمه‌ها و موخره‌ها و تعلیقاتی مفصل‌تر از خود متن منتشر می‌شوند، آن‌ها را باعث آشنایی سطحی و مقدماتی خواننده از متن اصلی و به‌گونه‌ای دلیل جدایی خواننده از متن اصلی می‌داند. تکیه مدرس صادقی در تصحیح خود از «سفرنامه ناصر خسرو» بر ارائه متن اصلی سفرنامه بدون هیچ کم یا اضافه‌ای است، چنان‌که در مقدمه، در توضیح و معرفی اثر آمده است: «ویراستار این مجموعه اجازه هیچ‌گونه دست‌کاری و دخل و تصرفی را در سبک متن به خود نداده است و از این بابت به خواننده اطمینان می‌دهد که چیزی به جز عین خود متن در برابر او نیست» و تأکید می‌کند که آنچه که در برابر خواننده است، گزیده نیست، یازنویسی هم نیست؛ عین خود متن و صورت کاملی از متن است و هیچ حرکتی در جهت ساده‌سازی و هیچ‌گونه اعمال سلیقه‌ای به منظور تعدیل زبان متن در کار نبوده است. کتاب «سفرنامه ناصر خسرو» با ویرایش و مقدمه جعفر مدرس صادقی از طرف نشر مرکز در ۱۳۵ صفحه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و با بهای ۴۹ هزار و ۸۰۰ تومان منتشر شده است.

«سفرنامه ناصر خسرو»

با ویرایش مدرس صادقی



هفت

ادبیات
literature

دو هفته‌نامه فرهنگی وطن بولی
سال چهارم | شماره ۲۷ | ۸ صفحه

بیا تا جهان را به بد نسپریم

میهن پرستی، ویژگی مهم عصر مشروطه



امیر احمدی

نمونه اکتفا خواهیم کرد.

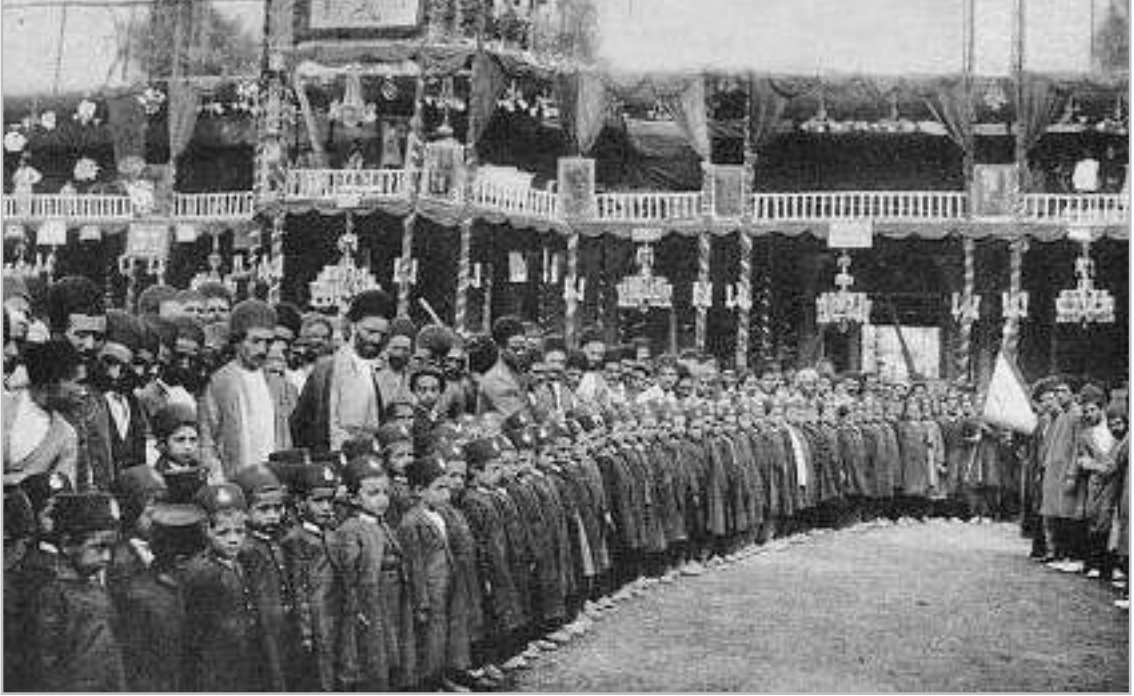
در بین مبارزین مشروطه خواه، وطن پرستی به حد اعلی وجود داشت اما در این میان، ستارخان و داستان پاسخ دندان شکنش به کنسول روس نمونه ای شورانگیز است.او در جواب کنسول روس که از خواسته بود پرچم روس را بر سر خانه اش نصب کند تا درامان باشد گفته بود:«من می خواهم هفت دولت زیر بیرق ایران باشد، شما به من میگویید بروم زیر بیرق روس؟ امکان ندارد». این پاسخ تنها به کنسول روس نیست بلکه پاسخی به تمام ایران ستیزان علی‌الخصوص قبیله گران پاترک نیز هست، همان عده بسیار قلیلی که «من تورکم،من تورکم» راه انداخته و ضمن پریدن از هویت اصلی خویش، بیرق بیگانه به دست می گیرند و در ورزشگاهها شاعرهای ضد ایرانی سر میدهند. ستارخان به معنای واقعی وطن پرست بود و از همین رو ازمجلس شورای ملی به حق لقب «سردار ملی» را دریافت کرد.

دربین شاعران و نویسندگان، اشعار و نوشته هایی با مضامین میهن پرستی و عشق به ایران به وفور یافت می شود بطوریکه حتی ذکر نام آنها در اینجا ممکن نیست. شاعران با سرودن اشعار و نویسندگان با نوشتن نوشته هایشان ویژگی مهم این عصر را بازتاب دادند و نقش مهمی در جنبش مشروطه خواهی داشتند. این جمله ی عارف قزوینی آینه تمام نمای افکارمیهن پرستانه در بین شاعران و نویسندگان عصر مشروطه است: «تمام بهشت را با یک وجب از خاک مملکتم ایران، معاوضه نخواهم کرد»[۲]

تاکید بر میهن پرستی و عشق به ایران در بین سرشته است ابراز ارادتی نماییم…»[۳] بین مطبوعات عصر مشروطه هم کاملا مشهود است.روزنامه «صوراسرافیل»، یکی از روزنامه های معروف آن زمان در توضیح مرام و خط مشی خود می نویسد:«..ما نیز با عدم لیاقت و بضاعت مزجاة قلم برداشته که به خواست خدا شاید بتوانیم به دین و دولت و ملت خود خدمتی کنیم و با این بنای آب و خاک موروثی که با خون پدران و نیاکان ما معین و سرشته است ابراز ارادتی نماییم…»[۳] جالب توجه است که حتی مطبوعات ویژه زنان هم در این عصر سرشار از مضامین میهن پرستانه هستند. روزنامه «زبان زنان» در شماره ۳۱ ام در نوشتاری جالب توجه می نویسد:«…چنانچه سابقا گفتیم یکی از راههایی که اسباب بیداری ملت ایران را فراهم می سازد، نطق و نگارش وطن پرستان واقعی مملکت است…»سه گروه

با مروری بر آرای دکتر سیدجوادطباطبایی

مشروطیت و گاو هزارشاخهٔ رَجّاله



دکتر طباطبایی این موضوع را چنین توضیح می‌دهد: «آزاد شدن نیروی توده‌ها و مشارکت آنان در قدرت سیاسی یکی از اساسی‌ترین دستاوردهای انقلاب‌های دموکراتیک بود، اما این حضور فعال توده‌ها در تحولات اجتماعی و سهیم شدن آنان در قدرت سیاسی امری نبود که پی‌آمدهای نامطلوب و عوارض فرعی نداشته باشد. تا آغاز انقلاب‌های دموکراتیک، تولید و توزیع قدرت سیاسی در محدودهٔ نخبگان هر جامعه‌ای انجام می‌شد و گروه‌های بزرگی از مردم سهمی در مناسبات قدرت نداشتند (ص ۳۸۴)». در این میان مواردی استثنایی نیز مانند یونان باستان وجود داشتند که «هرگز از محدودهٔ دوره‌ای کوتاه در تاریخ جهان باستان فراتر نرفت». «با انقلاب‌های دموکراتیک، در آغاز دوران جدید، مفهوم شهروند، به تدریج، به همهٔ گروه‌های مردم اطلاق شد و همگان از همهٔ حقوق مدنی–سیاسی که از دستاوردهای تحولات سیاسی بود، برخوردار شدند (ص ۳۸۴)». اما این حضور نوین و فعالیت تودهٔ مردم در عرصهٔ مشارکت سیاسی، آن هم در شرایطی که هنوز در سایهٔ عقل و تأمل و بر مبنای نص قانون، بسترهای لازم برای ورود به فضای باز سیاسی مهیا نگشته است، می‌تواند سبب هرج و مرجی تخریب‌کننده گردد.

آلکسی دو توکویل، اندیشمند سیاسی فرانسوی، از مفهوم «استبداد اکثریت» صحبت کرده است که می‌تواند در چنین شرایطی پدید آید. بر پایهٔ مطالعاتی که وی بر انقلاب فرانسه و دموکراسی در آمریکا انجام داده است، معنای مفهوم استبداد اکثریت مورد اشارهٔ او این بود که «در کشورهایی که حکومت قانون تثبیت نشده و نهادهای دموکراتیک استقرار پیدا نکرده باشد، حدود و ثغور شرکت مردم در حیات سیاسی روشن نخواهد شد و استبداد اکثریت می‌تواند جانشین حکومت قانون شود که پی‌آمدهای نامطلوب آن برای مردم و اجتماع می‌تواند از استبداد فردی خطرناک‌تر باشد. توکویل بر آن بود که از زمانی که در انقلاب فرانسه خواست و ارادهٔ توده‌ها جای قانون را گرفت، حاصل آن جز نظام استبداد جدید نمی‌توانست باشد. (ص ۳۸۵).

با این توضیح از مفهوم استبداد اکثریت، دکتر طباطبایی چنین اشاره می‌کند که «جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران، به رغم آن‌که انقلابی از نوع انقلاب فرانسه نبود و حضور عقلای قوم و کسانی با دیدگاه‌های معتدل در رهبری آن جنبش و نقشی که ایفاء کردند، موجب شد که تا زمان توشیح قانون اساسی تحولات در مسیری مسالمت‌آمیز و توأم با میانه‌روی جریان پیدا کند. با پیروزی جنبش و مقارن با از میان رفتن نظام خودکامه نقش توده‌های مردم اهمیت بیشتری پیدا کرد و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی (انجمن‌ها) به وجود آمد. مداخله‌های اعضای این انجمن‌ها در زمانی که مجلس اول مشروطه هنوز در آغاز راه بود، یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت کارها بود. مداخله‌های بی‌جا و بی‌رویهٔ انجمن‌ها حُسن جریان امور و حتی نظم عمومی را مختل می‌کرد و در واقع، خود به مانع حکومت قانون و استقرار نهادهای آن تبدیل شده بودند» (ص ۳۸۵).

در این میان جالب است که برخی از هواداران راستین مشروطه، نظیر میرزاعبدالرحیم طباطبوف به خوبی از این آسیب آگاه بودند. طباطبوف با توجه به هتّاک‌ی‌های به کار رفته در روزنامهٔ ملا نصرالدین به محمدعلی‌شاه و همچنین مداخله‌های آشوب‌برانگیز اعضای انجمن تبریز در نامه‌ای چنین می‌نویسد: «ایرانی تاکنون اسیر یک گاو دوشاخهٔ استبداد بود، اما بعد از این، اگر ادارهٔ خود را قادر نشود، به گاو هزارشاخهٔ رَجّاله دچار گردد» (ص ۳۸۶). در اینجا تعبیر طباطبوف از گاو هزارشاخهٔ رَجّاله را می‌توان تعبیر دیگری از مفهوم استبداد اکثریت توکویل دانست، اینکه طباطبوف پس از پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی و تشکیل مجلس شورای ملی بیان می‌کند که اگر ایرانی ادارهٔ خود را قادر نشود، اشاره به همان استقرار حکومت قانون بر مبنای عقلانیت ملت دارد تا بسترهای لازم جهت حرکت سازندهٔ رو به جلو و تحقق آزادی مورد انتظار و دموکراسی صورت گیرد.

چنین تحلیلی از این وجه تاریخ مشروطه که در واقع بخشی از تجربهٔ زیستهٔ ایرانیان است، بیش از اندازه دارای اهمیت می‌باشد. در هر گذاری از یک نظم پیشین به یک نظم جدید، بسیار حائز اهمیت است که نخست استقرار بی‌چون‌وچرای قانون صورت گیرد تا بر مبنای آن نهادها و سازوکارهای لازم برای پیشبرد انتظام و انسجام و گذاری با حداقل خطرها و هرج‌ومرج‌ها ایجاد شوند. در خلّایی از اساس و قانون، بی‌شک آنچه که روی خواهد داد چیزی جز هرج‌ومرجی مخرب و تباه‌کننده در نتیجهٔ آزادی بی‌حساب و تکلیف نیروی توده‌ها و جریان‌های سیاسی فرصت‌طلب نخواهد بود.



امیر آقاجانی

دکتر طباطبایی در بخش دوم از جلد دوم کتاب تأملی دربارهٔ ایران چنین بیان می‌کند که اصلاحات عباس‌میرزا در دارالسلطنهٔ تبریز آغازی بود بر وجه مهمی از تاریخ معاصر ایران که همراه بود با آشکار شدن نشانه‌های بحران در نظام خودکامه، تکوین نطفهٔ آگاهی و بیداری ایرانیان، و پدیدار شدن مفاهیم نوآیین و تحول آنها در سپهر اندیشهٔ سیاسی و حقوقی ایرانیان که در نهایت با انتشار اندیشهٔ تجددخواهی و حکومت قانون به جنبش مشروطیت و تأسیس مجلس شورای ملی و تکوین نظام حقوق عرف بر پایهٔ حقوق شرع انجامید.

در این میان اما به دنبال تغییراتی در نظم پیشین (نظمی درون استبداد و ساختارهای آن) و باز شدن فضای سیاسی کشور برای تودهٔ مردم که هنوز بسترها و زیرساخت‌های لازم برای این امر مهیا نشده بود، «حفظ امنیت یکی از عمده‌ترین مشکلات بر سر راه اصلاحات و حکومت قانون بود. به دنبال فضای بازی که با مشروطیت ایجاد شده بود، در برخی از ولایات آشوب‌هایی ظاهر شد (از جمله درگیری میان عاملان بیوک‌خان و مجاهدان تبریز در قراداغ) و در مواردی خود شاه (محمدعلی‌شاه) نیز که با اساس مشروطیت سر سازگاری نداشت، از طریق عاملان خود به آن آشوب‌ها دامن می‌زد» (ص ۳۷۷).

لازم به توضیح است که در مشروطیت، تأسیس دولت حقّ ملت بود و بس. و این دولت بر پایهٔ اساسی به نام قانون اساسی بود که ملت آن را مناسب تشخیص داده و حق ایجاد آن را داشته است. بر این پایه، در نظام مشروطه، چنین ملتی دارای سلطنت ملی است اما ملت خود مستقیماً به ایجاد دولت اقدام نمی‌کند، بلکه نحوهٔ تأسیس دولت، در نخستین مرحلهٔ خود، دارای ترتیبی بوده است از قرار زیر: الف)تعیین وکیل (نماینده)،ب)تأسیس اساس در مجلس مؤسسان، ج)تأسیس دولتِ با اساس. پس از آن نیز، وقتی به درجهٔ کمال رسد، دارای ترتیب پارلمانی می‌شود. دولت مشروطه «دولتی است که اعمال صاحبان قدرت مقید به قید قانون باشد و جماعتی بر ایشان ناظر باشند و قدرت ایشان را تعدیل کنند» که «بهترین شیوهٔ نظارت بر صاحبان قدرت این است که کسانی به عنوان وکیل یا نمایندهٔ ملت انتخاب شوند» (ص ۳۰۱). بنابراین «دولت مشروطه دولت بااساس یا دارای قانون اساسی است که همان سلطنت ملی است (به عبارت دیگر، به معنای تعلق سلطنت و منشأ قدرت به ملت است به طوری که صاحب اختیار ملت خود ملت خواهد بود)» (ص ۳۰۲). باید توجه داشت که «مشروطیت حکومت، ناظر بر شکل آن نیست، بلکه ماده‌ای برای صورت‌های متنوع شیوه‌های حکومتی سلطنتی و جمهوری است» (ص ۳۰۷).

با توجه به این خصائص مشروطیت که به نوعی تحولی نو در سنت سیاسی–حقوقی ایران محسوب می‌شد، پس از پیروزی جنبش مشروطه علاوه بر آشوب‌های برهم‌زنندهٔ امنیت در کشور، افراط‌گرایی‌های برخی نیروهای سیاسی نوپندان در قالب انجمن‌ها (احزاب) نیز بر هرج‌ومرج‌های این دوره می‌افزود، همچنان‌که «چهار ماهی از آغاز به کار کابینهٔ امین‌السلطان برنیامده بود که او به دست یکی از هواداران گروهی افراطی (انجمن آذربایجان و حوزهٔ اجتماعین–عامیون) ترور شد و با این اقدام، امید اصلاحات و سازش میان شاه و مجلس که با فشار امین‌السلطان عملی می‌شد، بر باد رفت (ص ۳۷۸)» و «به نخستین کوشش برای حل بحران ناشی از تمرین دموکراسی در ایران (ص ۳۸۳)» پایان داده شد. این در حالی بود که «عقلای قوم نمی‌خواستند رویارویی شاه و دربار موجب تعطیل شدن اصلاحات شود (ص ۳۷۹)» و سعی در نگهداشِتب اعتدال و میانه‌روی داشتند.

حقایق بالا به این امر اشاره دارد که «یکی از پیامدهای پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی مردم ایران، مانند هر دگرگونی دموکراتیک دیگر، استقرار نهادهای نظام سیاسی جدید و تثبیت آزادی‌ها بود. تحقق چنین نظامی که از حاکمیت مردم ناشی می‌شد، جز با حضور سیاسی مردم و مشارکت آنان در تدبیر امور کشور ممکن نمی‌شد و این حضور سیاسی مردم در کشوری نظیر ایران که به استبدادی دیرپا عادت کرده بودند (و با ساختارهای استبدادی خو گرفته بودند)، می‌توانست همچون شمشیری دو دم صفحهٔ ۵۳–۵۰ عمل کند» (ص ۳۸۳).



به صفای تو که در دانه این دریا بود
هر گلی کز چمن باغ جنان آبی خورد
ناز پرورد این خاک عبیر آسا بود
بس توحش که در او شد به تمدن تبدیل
آمدن پرغو، رفتن نسق و یاسا بود
خاتم گمشده را باز بجوای ایران
که بدان حلقه جهان، زیر نگیب ما بود
شهریار از تو نوای نی ناگوس خوش است
این غزل را نسب از کوس بلند آوا بود

تاج تاریخ جهان، کوروش آهخامنشی است
کز قماش و منشی محتشم و اولا بود
عدل کسری چه همایی است همایون سایه
که نه در صحنه تاریخ چنین سیما بود
شاه شطرنج فتوحات، همانا نادر
کز سلحشوری و لشکرشکنی غوغا بود
شمع در پرده فانوس به پروا سوزد
ناز پروانه که بی پرده و بی پروا بود
آن شاه ولی و صوفی صافی مشرب

خاص فردوسی و آن همت بی همتا بود
کلک سخار نظامی به نگارین تذهیب
کلک مشاطه طبعی که عروس آرا بود
پند سعدی کلمات ملک العرش علا
غزل خواجه، سرود ملاً اعلابود
عاشقی پیشه کن ای دل، که به دستان گویند
وامقی بود که دلباخته عذرا بود
گر سخن از صفت قهر و غرور ملی است
کاوه ماست که بر قاف قرون، عتقا بود

سالها مشعل ما پیشرو دنیا بود
چشم دنیا همه روشن به چراغ ما بود
درج دارو، همه در حکم حکیم رازی
برج حکمت، همه با بوعلی سینا بود
قرنها مکتب «قانون» و «شفا» سینا
با حکیمان جهان، مشق خطی خوانا بود
عطر عرفان، همه با نسخه شعر عطار
اوج فکرت، همه با مثنوی ملاً بود
داستان های حماسی به سرود و به سزا

حماسه ایران

استاد محمد حسین شهریار

تخت سلیمان و ایران گرای ایلخانان



مرتفع به طول تقریبی ۱۱۲۰ متر و مساحت ۱۲۴ هزار مترمربع بوده است و ۳۸ برج دفاعی در پیرامون حصار با فاصله متوسط ۲۴ متر از یکدیگر نگهداری از این مجموعه را به عهده داشته‌اند. ورود به این محل از طریق سه دروازه، یکی در شمال و دو دروازه با فاصله اندک از یکدیگر در جنوب انجام می‌یافتند. تالار تخت، تالار چهارستونه، ایوان‌های اطراف دریاچه، اتاق‌های هشت‌گوشه، دروازه جنوبی، حمام، مسجد و غیره از جمله سازه‌های افزوده شده در دوران ایلخانی‌اند.

مجموعه تخت سلیمان احتمالاً تا دوران صفویان مورد استفاده شاهان ایران بود. کاربری دیرپای این مکان گواه پایداری، کارآمدی و فراگیری انگاره‌های ایران‌شهری در دوران اسلامی و به‌ویژه برای دودمان‌هایی است که قلمرو فرمانروایی آنان سراسر ایران‌زمین را دربرمی‌گرفت و آرمان آنان یکپارچه‌سازی و وحدت این سرزمین با بهره‌گیری از باورها، سنت‌ها و انگاره‌های کهنی بود که همه ایرانیان در آن‌ها سهیم بودند.

ایران، پیوندی دیگر و افزون‌تر با سنت‌ها و ایدئولوژی پادشاهی ایران باستان فراهم و برقرار شود. تأکید حمدالله مستوفی، مورخ و جغرافی‌نگار عصر ایلخانی، بر اینکه شیز را کیخسرو، پادشاه اسطوره‌ای ایران، ساخت و در نهایت اباقا آن را «به حال عمارت آورد»، گویای این واقعیت است که حکومت ایلخانی نه تنها در پی مرتبط کردن خود با پادشاهی ساسانی بود، بلکه می‌خواست گامی بلندتر برداشته، خود را ادامه‌دهنده و احیاکننده سنت‌های منسوب به پادشاهان بس‌کهن عصر اساطیری ایران نیز نشان دهد.



داریوش احمدی

چنان‌که روایت‌های تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهند، مجموعه تاریخی تخت سلیمان (شیز) باستانی در ۴۲ کیلومتری شمال شرق شهرستان تاکاب در آذربایجان غربی، دست‌کم از دوران ساسانیان به بعد، به دلیل قراردادن آتشکده بزرگ آذرگشنسپ (Azargoshnasp) در این محل، کانون دینی ایران آن روزگار و مورد احترام، توجه و رجوع پیوسته پادشاهان ایران بود. از آنجاکه این مکان به نماد هویت دینی و ملی ساسانیان مبدل شده بود، هراکلیوس، امپراتور روم، در زمان هجوم خود به قلمرو ایران کوشید با تصرف هدفمندانه این محل و آسیب‌رساندن به آتشکده آذرگشنسپ در ۶۲۴ میلادی، به منزلت و حیثیت پادشاهی ساسانی لطمه بزند. در ایران باستان آتشکده آذرگشنسپ یکی از سه آتشکده اصلی کشور بود و به طبقه جنگجویان تعلق داشت. بنا به افسانه‌های ایرانی، فروغ آذرگشنسپ بر یال اسب کیخسرو نشست و با پرتو خود جادوی سیاه افراسیاب را از میان برداشت تا پادشاه بتخانه‌اش را ویران کند. پس‌از آن، کیخسرو در همان‌جا برای آذرگشنسپ آتشکده‌ای بزرگ برپا ساخت. به‌روایت ابن‌خردادبه، جغرافی‌نگار سده سوم ق، ارجمندی آتشکده آذرگشنسپ چنان بود که هرگاه یکی از شاهزادگان ساسانی به پادشاهی می‌رسید، از مداین در عراق پیاده به زیارت آذرگشنسپ می‌رفت. پادشاهان فاتح بخشی از غنایم ارزشمند جنگی خود را نیز به این آتشکده پیشکش می‌کردند.

اهمیت مجموعه تخت سلیمان (شیز) حتی پس از برافتادن ساسانیان و برآمدن حکومت‌های گوناگون پس از اسلام نیز همچنان پابرجا بود؛ اما این شاهان ایلخانی بودند که بیش از دیگر حاکمان ایران اسلامی به ارزش و جایگاه مجموعه تخت سلیمان پی بردند

سرگذشت نیکان

افسر تبریزی که معنی یک وجب خاک را به روس‌ها فهماند

جزیره نورالله کثیری کجاست؟



و خروشان ارس می‌زند ولسی بعد از لحظاتی اسب و سوار در مبارزه با جریان عمیق و قوی آب ارس زیر امواج خروشان ناپدید می‌شوند. در میان بهت و آشفتنگی حاضرین از این عمل، سرباز قوی هیکلی به نام "صمد محمد اوغلو" برای نجات دوست و هم سنگرش به آب‌های ارس می‌زند و سستوان کثیری را که پایش در رکاب اسب گیر کرده بود رها کرده و هر دو با شنا کردن خود را به جزیره ۱۳۰ می‌رسانند و پرچم ایران را که سستوان کثیری زیر لباس خود همراه برده بود در این جزیره بر پا می‌کنند.

هیئت روسی که تحت تأثیر این عمل شجاعانه و از جان گذشتگی این دو فرار گرفته بودند موافقت می‌کند مالکیت جزیره به ایران برسد، دولت و ارتش ایران به پاس این فداکاری جزیره ۱۳۰ را به نام سستوان کثیری تغییر می‌دهند و سال‌ها نام این افسر ایرانی در بین اهالی منطقه به وطنپرستی مشهور می‌شود ولسی متأسفانه با گذشت زمان این داستان و این نام کم کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و بطوریکه در حال حاضر حتی جوانان محلی منطقه هم علت نامگذاری این جزیره را نمی‌دانند و اکثر مردم ایران هم از این ماجرا و فداکاری بی اطلاع هستند که یک افسر باشرف ایرانی بلا درنگ برای ننگه داشتن پاره ای از خاک وطن در سرما به آبها خروشان می‌زند و حاضر می‌شود جانش را فدا کند.

منبع: کتاب "مرزهای ایران و شوروی" نوشته تیمسار سپهبد امان‌اله جهانبانی، ۱۳۳۶

کوچکی در این مسیر به وجود آمده است که در حدود ۸۰۰ جزیره غیر مسکونی می‌باشد(به زبان محلی "شام") و مقرر می‌شود هر شعبه ای از رود که عمق بیشتری دارد نقطه صفر مرزی محسوب شده و جزیره و شعبه فرعی رود به کشور مقابل برسد.

در ادامه کار و در ۵ کیلومتری شهر جلفا، کار هیئت مشترک در مورد تعیین مرز به اختلاف کشیده می‌شود و جزیره شماره ۱۳۰ باعث این اختلاف می‌شود، هیئت کارشناسان شوروی بر این اعتقاد بودند که قسمت عمیق رود ارس نزدیک خاک ایران است و بنا بر توافق مرز اینجا بوده و جزیره ۱۳۰ داخل خاکی شوروی افتاده و به آنان تعلق دارد و کارشناسان ایرانی که عمدتاً از نظامیان ایرانی بودند معتقد بودند بخش عمیق رود به سمت خاک شوروی است و جزیره ۱۳۰ به ایران تعلق دارد و کار این اختلاف حتی به نزاع لفظی هم کشیده می‌شود که با به رخ کشیده شدن شکستهای ایرانیان در جنگ با روسها و عقد قرارداد ترکمنچای خون سربازان ایرانی به جوش آورده می‌شود.

سپهبد "امان الله جهانبانی" رئیس هیئت ایرانی در کتاب خود به نام "مرزهای ایران و شوروی" چنین می‌نویسد:
«در میان این درگیریها سستوان یکم نورالله کثیری، افسر تبریزی نقشه بردار لشکر تبریز که تاب گفتارهای افسران شوروی را نداشت و با اینکه می‌دانست آب در سمت ایران عمیق است، سوار اسب شده و برای برافراشتن پرچم ایران در جزیره ۱۳۰ شجاعانه به آبهای عمیق

برای تعیین حدود مرزی با ایران و تقسیم رودخانه ارس در شهر جلفا حاضر می‌شوند، در بررسیهای به عمل آمده توسط هیئت مشترک مشخص می‌شود رودخانه ارس در طی مسیر خود از غرب به شرق در برخی از مناطق دو شعبه می‌شود و در نتیجه جزایر

۱۳۲۲ شمسی تصمیم می‌گیرند تا با تشکیل کمیسیونی مشترک با تعیین مجدد مرزهای بین‌المللی دو کشور، به این درگیریها پایان دهند.

در همین راستا در ۶ مهر سال ۱۳۳۴ شمسی، هیئتی عالی‌رتبه از اتحاد جماهیر شوروی

بعد از پایان جنگ جهانی دوم در سپتامبر سال ۱۹۴۵ میلادی(شهریور ۱۳۲۴ شمسی) و ترک ارتش سرخ شوروی از خاک ایران تا ده سال بعد کم و بیش در مرزهای ایران و شوروی بین مرزبانان دو کشور درگیری رخ می‌داد تا سرانجام دو دولت در گیر در سال

برای مشاهده مطالب بیشتر به تارنمای وطن یولی مراجعه کنید

www.vatanyolli.net

وطن یولی